

## القاعده، داعش؛ افتراقات و تشابهات

سعید توکلی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۶/۲۷

فصلنامه آفاق امنیت/ سال هفتم / شماره بیست و سوم - تابستان ۱۳۹۳

### چکیده

القاعده نقطه‌عطفی در تحولات اسلام‌گرایی رادیکال محسوب می‌شود و دارای سه نسل است. القاعده مرکزی با حمایت امریکا و کشورهای منطقه‌ای متحدش برای مبارزه با شوروی سابق در افغانستان شکل گرفت که پس از شکست و خروج شوروی سابق از افغانستان، به جبهه جهانی اسلامی علیه صلیبیون و یهودیان تغییر راهبرد داد. ریشه ایدئولوژیک القاعده و داعش به تفکرهای سلفی تکفیری که مبدع آن وهابیت بود، بازمی‌گردد. پس از حمله امریکا به افغانستان در دوران طالبان و سپس عراق، القاعده به عراق نقل مکان داد و به مبارزه با اشغالگران و شیعیان پرداخت. تغییر راهبرد القاعده عراق باعث انشعاب در القاعده شد و در نهایت، به تشکیل داعش منجر شد. این مقاله ابتدا به تشکیل القاعده و انشعاب داعش از آن پرداخته، و سپس به افتراقات القاعده و داعش از منظر ایدئولوژیکی، سازمانی و جهادی می‌پردازد و در نهایت، تشابهات القاعده و داعش را بیان می‌کند.

### واژگان کلیدی

وهابیت، القاعده، داعش، تروریسم، تکفیر



## مقدمه

القاعده نقطه عطفی در تحولات اسلام‌گرایی رادیکال محسوب می‌شود و دارای سه نسل است. اول، همان القاعده مرکزی و تأسیس جبهه جهانی اسلامی علیه صلیبیون و یهودیان؛ دوم، تشکیل القاعده در سال ۲۰۰۳ در عراق پس از حمله امریکا به عراق که به لحاظ فکری و ایدئولوژیک با القاعده مرکزی همسو بودند؛ سوم، القاعده‌ای که از سال ۲۰۱۱ با تمرکز بر مبارزه در عراق، به نام داعش شکل گرفت. عدم تبعیت داعش از القاعده مرکزی به بروز جنگ داخلی گروه‌ها انجامید. گروه‌های تروریستی عموماً در پی بروز مشکلات بین خودشان سعی در حل درونی آن می‌کنند، به ویژه اگر از یک نحله و با اهداف مشترک باشند و کمتر اتفاق می‌افتد که به کشتن و حذف یکدیگر بپردازند، همان کاری که داعش با مخالفان خود در عراق و سوریه انجام داد. اختلاف، رقابت و درگیری بین القاعده و داعش به گذشته برمی‌گردد که دلایلی هم‌چون: «رهبری جریان سلفی تکفیری، اعلام خلافت و بیعت با خلیفه، اتخاذ و انتخاب راهبرد و تاکتیک جنگی مناسب، تحت کنترل گرفتن و اشغال مناطق جغرافیایی یکدیگر» داشت و این دو سازمان با خشونت تمام علیه یکدیگر صف‌آرایی کردند و هر روش عملیاتی را به کار بردند. برای مثال، در ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ داعش با عملیات انتحاری ابوخلد السوری، رهبر احرار الشام، را به قتل رساند و دست‌کم، طی یک ماه حدود سه هزار نفر از دو طرف کشته شدند (Al Jazeera, 2014). ریشه ایدئولوژیکی القاعده و داعش به تفکرهای سلفی تکفیری که مبدع آن وهابیت بوده، بازمی‌گردد. این پژوهش در تلاش است وجوه افتراق و تشابه گروه‌های تروریستی القاعده و داعش را مورد بررسی قرار دهد. نوع پژوهش توصیفی - تحلیلی است و در گردآوری اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است.

## تاریخچه شکل‌گیری القاعده

شکل‌گیری القاعده از سودان آغاز شد. بعد از خروج شوروی سابق از افغانستان در سال ۱۹۸۹، اسامه بن لادن گروهی به نام ارتش اسلام که بعدها القاعده نام گرفت، تشکیل داد. او به دنبال هدف‌گذاری جدیدی برای مبارزه در سال ۱۹۹۰ به سودان عزیمت کرد. اسامه بن لادن و هم‌پیمانانش، القاعده را از مجاهدان موسوم به «عرب‌های افغان» در قالب سازمانی بزرگ‌تر و پیچیده‌تر به نام «جبهه جهانی علیه یهودیان و صلیبی‌ها» سازماندهی کردند. طی سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ القاعده به یک سازمان رسمی



با رهبری مرکزی محدود شد. القاعده هسته‌های جهانی کوچکی ایجاد و با هسته‌های جهادی دیگر ارتباط برقرار کرد. هدف‌گذاری القاعده از دشمنان نزدیک (رژیم‌های ضد اسلام خاورمیانه و جنگ در بوسنی) به دشمنان دور (امریکا) تغییر و در عربستان و بعد سومالی پایگاه تأسیس کرد. فعالیت‌های تروریستی القاعده باعث فشار بر حکومت سودان و خروج القاعده از سودان شد (kahler, 2006: 41).

شرایطی هم‌چون خروج شوروی [سابق] از افغانستان اعتماد به نفس زیادی در القاعده ایجاد کرد و زمینه‌ای برای گسترش دیدگاه جهانی آنها شد. جنگ خلیج فارس و پیامدهای ورود نیروهای امریکایی به عربستان سعودی؛ سرکوب مداوم جنبش‌های اسلامی از سوی رژیم‌های مربوطه؛ نبردهای مسلحانه در الجزایر، مصر، جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته در آسیای مرکزی و قفقاز، کشمیر، فیلیپین و بوسنی؛ تهدید فرهنگ‌های بومی از سوی نیروهای جهانی شدن؛ و تداوم جنگ داخلی در افغانستان بستری برای توجیه و توسعه فعالیت‌های تروریستی القاعده شد. القاعده با حمایت همه‌جانبه طالبان که به مدت پنج سال - از سپتامبر ۱۹۹۶ تا دسامبر ۲۰۰۱ - به طول انجامید، در توسعه تشکیلاتی خود و نیز ساماندهی «جهاد بین‌المللی» موفق شد و توانست پایگاه‌های متعددی در سرتاسر افغانستان دایر کند. این پایگاه‌ها شامل ۴۸ مرکز آموزشی و ۳۰ هزار داوطلب بود که ۱۸ هزار نفر از آنها عضو رسمی القاعده بودند. سایر هسته‌ها ضمن حفظ رابطه خود با القاعده در واقع، بازوهای لجستیک القاعده در انجام دادن عملیات‌های تروریستی بین‌المللی محسوب می‌شدند.

عملیات‌های القاعده یا منتسب به این سازمان، از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ۲۴ کشور صورت گرفت که نشانگر توان القاعده در تشکیل نیروی تروریستی بین‌المللی در پنج قاره جهان بود. با سقوط طالبان، تداوم فرماندهی شبکه‌های زنجیره‌ای القاعده در سراسر جهان به شکل سامانه «تمرکزگرا» و «وحدت فرماندهی» امکان‌پذیر نبود، در نتیجه، به سوی هسته‌های خودکفا و خودفرماندهی روی آوردند. پس از ۱۱ سپتامبر، القاعده اصلی‌ترین دشمن هژمون امریکا محسوب می‌شد و در سال ۲۰۰۸ ضربه شدیدی را متحمل شد و شمار زیادی از رهبران رده بالا و میانی خود را از دست داد که همگی از فرماندهان و مبارزان باتجربه در مرکز برنامه‌ریزی حملات، نه تنها در پاکستان و افغانستان، بلکه در اروپا و ایالات متحده بودند. هرچند القاعده یک پیکره واحد و یک پارچه بود، اکنون به اجزای پراکنده‌ای با استقلال بیشتری نسبت به مرکز تقسیم شدند و اجزای آن به انجام دادن عملیات‌های



مستقل روی آوردند. که همین چند تکه شدن و مستقل عمل کردن، القاعده فعلی را در مقایسه با القاعده قدیمی غیرقابل دسترس کرده است. به کارگیری فضای مجازی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار القاعده برای استخدام، سازماندهی، شناسایی، تأمین مالی، ارتباطات و .... سرلوحه کارشان بوده است که ضمن حمایت بیشتر از سازمان القاعده، آن را از ردگیری مصون می‌کند.

#### الف) خلافت و حکومت در ایدئولوژی القاعده

هدف نهایی ایدئولوژی القاعده، دستیابی به حکومتی فقهی است که ریشه در سلفی‌گری وهابیت دارد و بر تمام جهان حکم می‌راند. این حکومت دینی که بر شکل‌گیری جامعه دینی، از طریق اجرای قوانین فقهی مبتنی است، مهم‌ترین خواسته و موتور محرکه فعالیت‌های القاعده به شمار می‌رود. حکومت طالبان بر افغانستان در واقع، جلوه و تبلوری از حکومت مورد نظر القاعده است. اسامه بن لادن می‌گوید: «هدف و میل قلبی ما نیز این بوده که در راه برپایی و تحکیم حکومت اسلامی و پیاده کردن احکام اسلامی جهاد کنیم. این هدف ماست و برای همین هدف، از کشور خود خارج شده‌ایم» (بن لادن، ۱۳۸۴: ۱۴). ظواهری نیز تأکید دارد؟ «مجاهدین» نمی‌توانند با زور حکومت کنند یا به طور مستقیم قدرت را به دست گیرند. حکومت باید به اصل اسلامی شورا وفادار باشد و «امر به معروف و نهی از منکر» را به اجرا گذارد. هم‌چنین باید مبتنی بر نظر «اهل حل و عقد» باشد و نظر علما را به عنوان کارشناسان شریعت لحاظ کند» (قادری، ۱۳۷۸: ۱۲ و ۲۳).

#### ب) اندیشه سیاسی القاعده نسبت به حکومت دینی

۱. هیچ مرجعی جز فقهای وهابی حق افتا و استخراج قوانین برای اداره جامعه ندارد و به طریق اولی قانون‌گذاری براساس عقل خودبنیاد هم مشروعیت ندارد.
۲. آزادی عقیده از آنجا که می‌تواند به ارتداد و الحاد بینجامد، باطل است؛
۳. مشروعیت حاکمان از جانب عالم بالاست و رهبران جوامع باید خاستگاه دینی و برآمده از شرع داشته باشند؛
۴. آزادی بیان چون به ناسزاگویی به خدا و قوانین الهی می‌انجامد، مورد تأیید نیست؛
۵. دین از سیاست و حکومت جدا نیست؛
۶. تشکیلات و احزاب سیاسی چون به گسترش فعالیت عناصر غیردینی یاری می‌رسانند، مورد تأیید اسلام نیستند.



با توجه به موارد فوق در می‌یابیم که ایدئولوژی القاعده بیشتر مصروف مبارزه و تشکیل خلافت شده است؛ لذا پیروان آن با دچار شدن به از خودبیگانگی، قربانی ایدئولوژی و خلافت مورد نظر القاعده هستند. در این ایدئولوژی، هیچ انسانی اعم از مسلمان و غیرمسلمان، اصالتی ندارد و اصالت با ایدئولوژی و حکومت مورد نظر آنهاست.

### ج) الگوی منظومه‌ای القاعده

در این نوع سازمان‌ها یک سطح خیلی پایین از فرمان و کنترل در عملیات‌ها دیده می‌شود. آزادی عمل بسیار بیشتر است. رفتارهای مستقل در این نوع سازمان اجازه فعالیت دارند. حلقه‌ها یا زیر شبکه‌ها در مدار یک واحد فرماندهی حرکت می‌کنند، لذا پیوندها برقرار است، اما به صورت ضعیف عمل می‌کنند تا جایی که سیستم کنترلی و فرماندهی بسیار ضعیف است (shaul,2005:35).

الگوی سازمانی القاعده به صورت منظومه‌ای است. اگرچه سازمان، شخص محوری (قطب) دارد، پیوند میان حلقه مرکزی و سایر حلقه‌ها ضعیف است. فرایندهای کنترلی تا حدی ضعیف است که در شرایط کنونی و با برجسته شدن داعش، واگرایی در سازمان القاعده رخ داده و برخی از زیر شبکه‌های آن به داعش پیوسته‌اند. آزادی عمل در این سازمان بسیار زیاد است و حلقه‌ها که براساس عامل جغرافیا تقسیم‌بندی شده‌اند، می‌توانند راهبرد محلی متفاوتی اتخاذ کنند، اگرچه در هدف نهایی، به هم نزدیک هستند. این آزادی عمل حتی در برخی موارد موجب شده تا دستورات رهبر القاعده، مورد بی‌توجهی قرار بگیرد (اسدی، ۱۳۸۸: ۸۴).

شبکه القاعده یک تشکیلات چندملیتی است که هویت خود را مدیون اعضایش که متشکل از گروه‌های اسلامی کشورهای مختلف‌اند، می‌داند. رمز موفقیت و تداوم کاری القاعده در انجام دادن عملیات گوناگون، داشتن ارتباط غیرمتمرکز با گروه‌های سلفی-تکفیری (با تحت تأثیر اندیشه تکفیری) کشورهای مختلف است. در سال ۱۹۹۸ که القاعده بیانیه تشکیل جبهه جهانی اسلامی جهاد علیه یهودیان و مسیحیان را صادر کرد، امضاکنندگان آن افرادی از جماعت اسلامی مصر، جماعت اسلامی پاکستان، سازمان جهاد مصر، گروه‌های اسلامی کشمیر و ... بودند (محمودیان، ۱۳۹۰: ۶۹). کادر رهبری القاعده، حلقه‌های پراکنده این گروه در جهان را براساس عامل جغرافیا، به شش حوزه مستقل تقسیم کرده است. این حوزه‌ها برای انجام عملیات‌ها و تأمین



مالی، به طور مستقل و در چارچوب سیاست‌های کلی کادر رهبری عمل می‌کنند. این شش حوزه عبارت‌اند از: شبه قاره‌هند، آسیای مرکزی، جنوب شرق آسیا، افریقا، حوزه اروپا و آمریکا و حوزه خاورمیانه.<sup>۱</sup>

### تاریخچه شکل‌گیری داعش

ظهور گروه موسوم به داعش را می‌توان مربوط به سال ۲۰۰۳م هم‌زمان با سقوط رژیم صدام در عراق دانست. اما با توجه به مدارک موجود، جریان فکری این گروه به سالیان گذشته بازمی‌گردد. ابتدا فعالیت این گروه در عراق آغاز شد. مؤسس این گروه «احمد فاضل الخلایله» با نام مستعار «ابومصعب الزرقاوی» اردنی<sup>۲</sup> بود که با قصد ساقط کردن دولت اردن (Gambill, 2004: 14) در سال ۲۰۰۰ به بن لادن پیوست و جماعت التوحید و جهاد را تشکیل داد (Ghosh, 2014: 25). وی در هرات به آموزش تروریست‌ها اقدام کرد و به رغم بعضی از اختلاف‌ها با بن لادن، تحت کنترل القاعده فعالیت می‌کرد (Whitlock, 2004). پس از حمله آمریکا به افغانستان، الزرقاوی به مدت دو سال بین ایران، سوریه، لبنان و مناطق کردنشین عراق در تردد بود (M.J.Kirdar, 2011: 3). او پس از اشغال عراق توسط آمریکا در ۲۰۰۳ به عراق رفت و شاخه القاعده در عراق<sup>۳</sup> توسط وی پایه‌گذاری شد تا بتواند افراد و بودجه از القاعده جذب کند. ولی در جنگ عراق، زرقاوی از القاعده جدا و با مرشد خود، شیخ ابومحمد المقدسی، (Wagemarks, ۲۰۱۴: ۵۹-۷۵) ایدئولوگ جریان القاعده، دچار اختلاف شد (McCants, ۲۰۰۶: ۵۹). در جنگ عراق، زرقاوی با بمب‌گذاری انتحاری به اهداف شیعی و سنی حمله می‌کرد تا اختلافات بین مذاهب را افزایش دهد. با این اقدامات خیلی از جنگجویان خارجی به او پیوستند. القاعده عراق به رهبری زرقاوی خیلی از شبکه‌های غیررسمی جهادگران خارجی و نسل آینده را تحت کنترل خود قرار داد که باعث جدایی بین کسانی شد که در دهه ۱۹۸۰ در افغانستان آموزش دیده بودند و آنهایی که در عراق آموزش دیدند. هرچند بعضی از افراد با این سبک منطبق نبودند، به طور نسبی این‌گونه عمل می‌کردند (Watts, 2014). بسیاری از آنها در سوریه همان کسانی بودند که در عراق آموزش دیده بودند (Y. Zelin, 2014).

از نظر ایمن الظواهری، مسلمانان مشکل اصلی جهان اسلام نیستند و حمله علیه آنان باعث تفرقه بین امت می‌شود (Fishman, 2011). این اختلاف ادامه یافت

1 <http://sharghdaily.ir/News/18705>

2. July 2014 issue of Dabiq, The Islamic State's on-line English language magazine.

3. Al Qaeda in Iraq (AQI)



تا اینکه الظواهری دو نامه در تاریخ ۲۰۰۵ به زرqaوی نوشت و خواستار تغییر روش او شد (Abu Muhammad, 2005:8)، ولی زرqaوی به نصایح او توجهی نکرد و در اواخر ۲۰۰۶ با تعدادی از گروه‌های شورشی دیگر مجلس شورای مجاهدین را تأسیس کرد. پس از مرگ زرqaوی در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ داعش عراق<sup>۱</sup> توسط ابوحمزه المهاجر مصری اعلام (Al- Juburi, 2006:536) و در ۱۰ نوامبر ۲۰۰۶ ابوعمر البغدادی جایگزین شد. ابوعمر در سال ۲۰۱۰ کشته شد و ابوبکر البغدادی رهبر جریان شد (البغدادی در فوریه ۲۰۰۴ توسط امریکایی‌ها دستگیر و در دسامبر همین سال به دلیل بی‌اهمیت بودن آزاد ش (Zellin, 2014)).

با تأسیس دولت اسلامی عراق افراد به دنبال تسخیر و اشغال مناطق جغرافیایی بودند، ولی نه تنها موفق نشدند، بلکه حمایت‌های جامعه سنی را نیز از دست دادند (Fishman, 2009:210). به هر حال، جنگ بین القاعده عراق و رهبری القاعده، ایمن الظواهری، ادامه یافت تا اینکه در آوریل ۲۰۱۳ ابوبکر البغدادی، داعش را بدون مشورت با الظواهری<sup>۲</sup> اعلام<sup>۳</sup> کرد که زمینه‌ساز درگیری القاعده سوریه (جبهه النصره)<sup>۴</sup> (که در اواخر ژانویه ۲۰۱۲ اعلام موجودیت کرد)<sup>۵</sup> با داعش شد. رهبر جبهه النصره، ابو محمد الجولانی، دنباله‌رو القاعده و به دنبال اتحاد با الظواهری بود (Abu Muhammad al-Jawlani, 2013). الظواهری نیز از البغدادی خواست که سوریه به جبهه النصره واگذار شود و به عراق بازگردد،<sup>۶</sup> ولی البغدادی طی اطلاعیه‌ای این درخواست را رد کرد و خود را متعهد به قرارداد سایکس پیکو<sup>۷</sup> (پس از جنگ جهانی اول) ندانست (Abu Bakr al-Hussayni al-Baghdadi, 2013). مذاکراتی بین داعش و جبهه النصره برای اتحاد و رهبری صورت گرفت که هیچ‌کدام به نتیجه نرسید (Moos, 2013:617). در نهایت، القاعده با داعش به توافق نرسید و شورش علیه داعش آغاز شد (Y. Zelin, 2014:178) و جولانی (رهبر جبهه النصره) از بیعت با البغدادی در آوریل ۲۰۱۳ خارج شد.<sup>۸</sup> الظواهری موفق به ایجاد صلح بین این دو

1. Islamic State of Iraq (ISI)  
2. "Caliphate a "deviant group" – Al-Qa'idah spiritual leader," British Broadcasting Corporation Monitoring Middle East, July 02, 2014, <http://search.proquest.com/docview/1541932791?accountid=12665>

3. Shaykh Abu Bakr al-Hussayni al-Qurayshi al-Baghdadi, "Announcement of the Islamic State of Iraq and al-Sham," al-Furqan Media, April 9, 2013, <http://washin.st/1yS3JB1>.

4 6. Jabhat al-Nusra (JAN)

5 7. Al-Manarah al-Bayda Foundation for Media Production, "Declaration of the Support Front (Jabhat al-Nusrah): For the People of al-Sham from the Mujahidin of al-Sham in the Fields of Jihad," January 24, 2012, <http://washin.st/1qx4NWn>.

6 . Ayman al-Zawahiri, "Untitled statement," al-Fajr Media, May 23, 2013, <http://washin.st/1nImoqc>.

7 . Sykes-Picot

8 . <http://www.un.org/sc/committees/1267/NSQI29911E.shtml>.



گروه نشد و نتوانست البغدادی را قانع کند که فقط در عراق عمل کند لذا در ۲ فوریه ۲۰۱۴ القاعده در بیانیه‌ای هرگونه وابستگی داعش به خود را رد کرد و مسئولیتی در قبال اقدامات آن نپذیرفت.<sup>۱</sup> در مقابل، سخنگوی داعش نیز به الظواهری پاسخ داد که به عنوان یک سرباز در رکاب البغدادی باشد.<sup>۲</sup> داعش خود را پیرو واقعی بن لادن می‌دانست (Shaykh Abu Muhammad al Adnani al- Shami, 2014) و الظواهری را منحرف‌شده از روش بن لادن بیان می‌کرد. داعش به سرعت در سوریه گسترش یافت و خیلی از جنگجویان خارجی جبهه النصره را جذب کرد.<sup>۳</sup> عمده این افراد از جوانان بودند و می‌گفتند پیروزی‌های نظامی در میدان، به داعش مشروعیت و فرصت تأسیس خلافت را داد (Jendruck, 2014: 27). داعش همچنین با ارتش آزاد سوریه نیز مقابله و بعضی از مناطق را از دست آنها خارج کرد (Y. Zelin, 2013: 11). مرکز داعش در شهر رقه سوریه با هدف ایجاد یک نظام سیاسی کل‌نگر شامل: مذهب، آموزش و پرورش، قضاوت، امنیت، کمک‌های انسان دوستانه و برنامه‌های زیرساختی تأسیس شد (Caris & Reynolds, 2014: 9). حدود شش میلیون نفر در عراق و سوریه تحت قانون داعش زندگی می‌کنند.<sup>۴</sup> کنترل سرزمین داعش با همکاری متحدانش مانند قبائل سنی، اعضای ارتش و نیروهای امنیتی صدام و مزدوران انجام می‌شد. داعش می‌کوشد مشروعیت خود را از مذهب داشته باشد. خلیفه خودخوانده به ایدئولوژی مذهبی متوسل می‌شود و عقیده سلفی تکفیری را، گسترش می‌دهد. داعش به تروریسم جهانی متوسل شده است و دولت‌های شرقی را فاسد و تحت نفوذ دولت‌های غربی به خصوص امریکا می‌داند.

وسیله و حربه این گروه، تکفیر است و هرکس که با این امر مخالفت کند، به بدترین وضع از بین می‌رود. تکفیر بدین معناست که تمام نگرش‌ها و اعتقادات سایر مذاهب اسلامی را قبول ندارند و به شدت بر برداشت خود از اسلام تعصب دارند و آن را حق مطلق می‌دانند. از سوی دیگر، برای خود این حق را قائل‌اند که حتی مسلمانان دیگری را که آنان را قبول ندارند، به وحشی‌ترین وضع از بین ببرند. پیوستن به

1. Al-Qaeda's General Command, "On the Relationship of Qaidat al-Jihad and the Islamic State of Iraq and

al-Sham," al-Fajr Media, February 2, 2014, <http://washin.st/1IQPHcZ>.

2. Shaykh Abu Muhammad al-Adnani al-Shami, "Sorry Amir of al-Qaeda," al-Furqan Media, May 11, 2014, <http://washin.st/1mfYUHN>.

3. <http://english.al-akhbar.com/print/20133>.

4. <http://www.lrb.co.uk/v36/n16/patrick-cockburn/isis-consolidates>, and <http://online.wsj.com/articles/islamic-state-fillsoffers-from-illicit-economy-in-syria-iraq-1409175458>.





این گروه بدین‌گونه است که این افراد باید دوباره شهادتین را بر زبان جاری سازند، هرچند از مذاهب مختلف مسلمانان باشند. آنان معتقدند که اگر کسی قائل به این نباشد که در قیامت خداوند را می‌توان دید، کافر است و جزای او تنها با شمشیر است. از مسائلی که در آن دیدگاه داعش با مسلمانان دیگر متفاوت است، موضوع توسل به پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) است. هم‌چنین معتقدند که ساختن بنا برای ایشان و زیارتشان شرک محسوب می‌شود. «خاستگاه اعتقادی داعش و گروه‌های تروریستی مشابه، وهابیت و افکار افراطی این فرقه است» (نقیب‌زاده، احمد، ۱۳۹۳).

تاکتیک داعش شورش، تروریسم و جنگ چریکی است. داعش تعداد زیادی حمله انتحاری توسط ملیت‌های مختلف (Longwarjournal, 2014)، به خصوص عربستانی‌ها انجام داد (al-Hayat, 2012). هسته مرکزی رهبری آنها عمدتاً از کسانی هستند که در جنگ‌های زیرزمینی عراق از سال ۲۰۰۳ شرکت داشتند. بعضی از آنها در اردوگاه‌های آمریکایی نگهداری می‌شدند یا از زندان‌های عراق در ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ فرار کردند. داعش از ترکیب «دانش و تجربه» ساخته شده و در مناطق شهری نیز سعی کرده ظرفیت اداره آن را ایجاد کند؛ به این معنی که می‌کوشد جنگجویان را کادراهایی تکنوکرات برای اداره شهرها تربیت کند. درآمد اقتصادی داعش از طریق فروش نفت خام، مالیات تجار و افراد، عوارض جاده‌ها، فروش تجهیزات، محصولات کارخانه‌های دزدیده‌شده و فعالیت‌های جنایت‌کارانه، مانند دزدی افراد و غارت است. عایدات از کمک‌های مردمی خیریه نیز یکی دیگر از منابع درآمدی داعش بود. غنیمت تجهیزات نظامی زیاد (۱۵۰۰ هامر و تعداد زیادی توپ، از جمله ۵۲ توپ هویتزر ۱۵۵ و ۱۹۸ میلی متری با مکان یاب) (Bradley & Barnes, 2014: 8) نیز به حمایت اقتصادی آنها کمک زیادی کرد.

براساس گزارش سازمان اطلاعاتی آمریکا، جنگجویان داعش بین ۲۰۰۰ تا ۳۱۵۰۰ نفر تخمین زده می‌شوند.<sup>۱</sup> که عمدتاً داوطلبان خارجی هستند<sup>۲</sup> (از خاورمیانه، امریکای شمالی، اروپا و آسیا که نشانگر جامعه بین‌المللی است (Hashim, 2015) و سربازان انفرادی یا قبایل تحت کنترل آنها). در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ (aljazeera. 2014) که داعش شهر موصل عراق را با ۸۰۰ نفر با روش غیرمعمول در خاورمیانه تسخیر کرد، البغدادی خود را خلیفه خواند و نام خود را خلیفه ابراهیم گذاشت. اندیشه داعش بر مبنای تفکر

1. <http://www.cnn.com/2014/09/11/world/meast/isis-syria-iraq/index.html>.  
2. <http://soufangroup.com/foreign-fighters-in-syria/> August 2014.

سلفی تکفیری بود، لذا سایر گروه‌های تروریستی دیگر مانند النصره از او تبری جستند و باعث درگیری بین البغدادی، الظواهری و ملاعمر (که قبلاً خود را امیرالمؤمنین خوانده بود) شد. بعضی از گروه‌ها مانند القاعده شبه‌جزیره،<sup>۱</sup> لیبی، تونس و صحرای سینا با البغدادی به عنوان خلیفه بیعت کردند.<sup>۲</sup> رهبر سلفی تکفیری اندونزی نیز برای کمک به البغدادی اعلام آمادگی کرد.<sup>۳</sup> جبهه النصره هم‌چنان با البغدادی مخالفت می‌کرد (eaworldview,2014). البغدادی به عنوان خلیفه نتوانست تعداد کثیری را حتی از سلفی‌های تکفیری با خود متحد کند.<sup>۴</sup> اما با ترکیب بهره‌گیری از عامل مذهبی و پیروزی‌های نظامی توانست حمایت‌های مالی و معنوی ۸۱ کشور را جذب کند.<sup>۵</sup> در کادر رهبری داعش خیلی از بعثی‌ها با دست برتر حضور دارند؛ زیرا که آنها مهارت سازمانی و نظامی دارند. حضور بعثی‌های مجرب و آموزش‌دیده نظامی و عناصر رسمی امنیتی نقطه اتکای مناسبی برای داعش در جنگ‌ها به شمار می‌رود (Bahney & B. Johnston, 2015: 12). عزت الدوری یکی از آن بعثی‌هاست که نقش بسیار مهمی در داعش داشت. رهبران قبایل نیز به دلیل مخالفتشان با دولت مرکزی، از داعش حمایت می‌کنند، ولی در عین حال، مانع افراطی‌گری می‌شوند. داعش به تکنوکرات‌ها برای اداره مناطق خود نیاز دارد، ولی برای داعش «وفاداری» بیش از اداره کشور اهمیت دارد (Caris & Reynolds, 2014: 21).

راهبرد جنگی داعش بر مبنای گسترش محدوده جغرافیایی نیست، بلکه بر اساس اهمیت منابع موجود در آن منطقه است. در حال حاضر، داعش اکثر مناطق سنی‌نشین را تصرف کرده و در واقع، مناطق نفت‌خیز، مناطق آبی، سدها و انبارهای غله را تسخیر کرده است. برای مثال، تا اکتبر ۲۰۱۴ داعش ۴۰ درصد مناطق ملی کشت گندم عراق و مناطق صادرات گندم سوریه در طول مرز را تصرف کرد. تاکتیک جنگی داعش تروریسم، عملیات شورش و عملیات نظامی متعارف است. داعش پایتخت خود را شهر رقه در سوریه قرار داد که زمانی پایتخت خلیفه عباسی بود که از نظر سمبلیک خیلی

1. Al Qaeda in the Arabian Peninsula (AQAP)
2. [http://www.foreignpolicy.com/articles/2014/09/02/islamic\\_state\\_vs\\_al\\_qaeda\\_next\\_jihadi\\_super\\_power](http://www.foreignpolicy.com/articles/2014/09/02/islamic_state_vs_al_qaeda_next_jihadi_super_power).
3. <http://www.straitstimes.com/news/asia/south-east-asia/story/jailed-indonesian-terrorist-abu-bakar-bashir-has-been-funding-isis-a>.
4. <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iraq/10943404/Most-Muslims-dont-care-about-the-Isis-Caliphate.html>.
5. <http://soufangroup.com/foreign-fighters-in-syria/>.



اهمیت داشت. براساس گزارش‌های داعش در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، تعداد ۴۵۰۰ عملیات انجام داده است (azelin,2013).<sup>۱</sup> هرچند گزارش عملیات‌ها برای ایجاد روحیه، جذب هدیه و نیرو است، تعداد آن با سایر گزارش‌های منابع غربی تطبیق دارد.<sup>۲</sup> داعش عملیات‌های متعددی علیه شیعه، مسیحیت، یزدی‌ها، حامیان و کارمندان دولت عراق یا هر کس دیگری که از نظر آنها دشمن است، انجام داده است (al-Arabiya,2014).

### الف) ایدئولوژی داعش

داعش هم چون القاعده به جنبش جهادگران سلفی معتقد است. برای مثال، عمر البغدادی در نوار صوتی سال ۲۰۰۷ تمام اهل سنت و جوانان سلفی در سراسر جهان را مورد خطاب قرار داد (al-Baghdādī,2007:26-35). در همان سال، جانشین وی نیز جنگجویانشان را بخشی از جهادگران سلفی خواند (al-Muhājir,2007:147-152). سلفی‌های تکفیری یک جنبش ایدئولوژیک در جهان اهل سنت و دارای شبکه جهانی از تحصیل کردگان، وبسایت‌ها، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است. این جنبش بنیادگرا با قرائتی از اسلام، ریشه در اندیشه‌های تکفیری دارد.

مدرسه فکری سلفی ریشه در دو مکتب فکری در اواخر قرن بیستم دارد: اول، اخوان المسلمین مصر که در سال ۱۹۲۸ توسط حسن البنا با هدف یک جنبش سیاسی، به منظور در اختیارگیری قدرت و نفوذ در جامعه و در دست‌گیری دولت تأسیس شد، ولی به هیچ‌وجه دکترین خشن و خشکی را که امروز سلفی‌ها دارند، نداشت. دوم، سلفی‌گری که یک جریان اعتقادی برای پالایش ایمان است (Haykel,2009) جریان سلفی زندگی سیاسی و فردی را بیش از گروه‌های اسلامی محدود می‌کند و از حقوق مساوی زنان و اقلیت‌ها متنفر هستند (Bagy,2012:16-17). از اندیشه افراطی سید قطب و ایمن الظواهری نشأت می‌گیرند و از خشونت شریعت استفاده می‌کنند و در پی خلافت هستند.

القاعده و داعش دست راست و چپ سلفی‌گری تکفیری هستند. ابومصعب الزرقاوی، شاگرد ابومحمد المقدسی، ابوعمر البغدادی و ابوحزمه المهاجر معتقد به سلفی‌گری تکفیری و پیروی از آئین وهابیت بودند؛ حتی سخنگوی داعش، ابومحمد العدنانی، نیز گفت: جنگجویان بایستی از تفکر وهابی پیروی کنند (al-Bin,2014:7).

1. ISIS Annual Report Reveal A Metrics-Driven Military Command <http://www.understandingwar.org/backgrounder/ISIS-Annual-Reports-Reveal-Military-Organization>.  
2. <https://www.ctc.usma.edu/posts/the-islamic-state-in-iraq-and-the-levant-more-than-just-a-june-surprise>.



در آگوست ۲۰۱۴ پاسخ رسمی به سؤالات دینی در رقه سوریه تحت کنترل داعش، با گرایش‌های وهابیت داده شد. انتشارات رسمی داعش با استدلال و بیان‌های وهابیون ذکر شده است.

۱. خلافت جهانی: داعش ادعا کرده که یک «خلافت اسلامی» ایجاد کرده است. ابوبکر البغدادی، رهبر گروه تروریستی داعش، ژوئن ۲۰۱۴ ضمن اعلام خلافت در سراسر عراق و سوریه، خواستار بیعت جهانی کل امت اسلام شد و ایجاد این خلافت را یک وظیفه «دینی و شرع» توصیف کرد. داعش مفهوم دولت ملی را رد کرده، ناسیونالیسم به همراه دموکراسی و سکولاریسم را همسان «بت پرستی» می‌داند.

۲. جنگ با غرب: جهان را به دو دسته دارالحرب (محل جنگ) و دارالسلام (محل صلح) تقسیم می‌کنند. این امر به داعش اجازه می‌دهد تا مشارکت غرب در درگیری‌های عراق و سوریه را «کمپینی تنها علیه شما و علیه دین و مذهب‌تان» توصیف کند. داعش اکثر مسلمانانی را که این گروه و خلافتشان را رد می‌کنند، هدف می‌گیرد؛ گروهی که داعش آن را «بخش تحت نفوذ به خطر افتاده» توصیف می‌کند. این مسئله از ایدئولوژی «تولی و تبری» به معنای (با اهل حق دوستی کردن و از اهل باطل بیزاری جستن) نشأت می‌گیرد. در واقع «تولی و تبری» یکی از فروع دین اسلام است که جریان تکفیری از آن سوءاستفاده می‌کند.

۳. «جهاد» و «هجرت»: داعش متأثر از اندیشه‌های سید قطب در تبلیغاتش بر دو وظیفه معنوی مهم، یعنی «هجرت» به معنای مهاجرت به خلافت و «جهاد» به معنای پیکار بیش از هر وظیفه دیگری تأکید می‌کند. تأکید داعش بر مهاجرت، با هدف جذب حمایت برای افرادی صورت می‌گیرد که کاملاً از این پروژه داعش حمایت می‌کنند. اگرچه داعش از افرادی که در کشورهايشان اقدامات ظالمانه و شرورانه انجام می‌دهند، تعریف و تمجید می‌کند، تمرکز اصلی‌اش بر جذب شبه‌نظامیان، پزشکان، معلمان و مهندسان برای «هجرت» به «خلافت» است. در ایدئولوژی داعش «جهاد» خشونت‌آمیز تنها نماد ایمان واقعی تلقین می‌شود. داعش در مجله «دابق» بر این ادعاهایش تأکید می‌کند که «اسلام دین جنگ است، نه صلح» و اجازه «خلیفه» بدین معنا است که «جهاد» قانونی است.

۴. استفاده ابزاری از مشروعیت دینی: داعش تصمیم گرفته است خودش را بازیگری که از نظر دینی مشروع است، معرفی کند. این گروه تروریستی خودش را نسبت به دیگر رقبایش مدافع اسلام توصیف می‌کند، به ویژه در مواقعی که سایر گروه‌های



تروریستی مشروعیت داعش را به چالش می‌کشند. داعش در رقابتش با طالبان در خصوص اینکه «جهاد افغان مال چه کسی است» تلاش می‌کند طالبان را گروهی که از نظر دینی و مذهبی منحرف شده‌اند، نشان دهد.

۵. جنگ جهانی: داعش هم‌زمان با ایجاد یک کشور، خودش را یک پروژه آخرالزمانی بیان کرده است و سوریه بزرگ‌تر را مکان جنگ جهانی پیش از قیامت توصیف می‌کند. داعش با استفاده از احادیث درباره روز قیامت می‌گوید: جنگ‌های بزرگ رم و قسطنطنیه را فرا می‌گیرد. دابق مجله داعش نیز ارجاعی به مکان یکی از جنگ‌های بزرگ روز قیامت در نزدیکی حلب است. یکی از قدرتمندترین جنبه‌های ایدئولوژی داعش این است که جنگ نهایی میان خیر و شر در سوریه صورت می‌گیرد و اگر می‌خواهید بخشی از آن و یکی از مؤمنان واقعی باشید، باید به اینجا آمده، به این پروژه بپیوندید.<sup>۱</sup>

۶. اسلام و کفر: آنها برخلاف تمام علمای اسلام معنایی مضیق از اسلام ارائه کردند و در مقابل، مفهومی بسیار موسع از کفر. در نظر آنها اسلام و سلف آنها کسانی هستند که مثل آنها فکر می‌کنند و «دیگری» نیز تمام کسانی هستند که برخلاف آنها می‌اندیشند، هرچند به ظاهر مسلمان باشند. یکی از شعارهای آنها این است: «من لم یکفر الکافر فهو کافر» (هرکس کفری را کافر نداند؛ خود، کافر است). آنها خطر مسلمان‌های غیر از خود و در رأس آنها حکومت‌های کشورهای اسلامی را فوری‌تر می‌دانند. در نتیجه، در نظر آنها سرنگونی این حکومت‌ها مقدم بر مبارزه و جنگ با غرب و امریکاست.

۷. بیعت با خلیفه: پس از اعلام خلافت از سوی ابوبکر البغدادی، القاعده با چالش مهمی مواجه شد و آن هم، بیعت یا عدم بیعت با خلیفه بود. القاعده مغرب اسلامی<sup>۲</sup> متمرکز در الجزایر، طی بیانیه‌ای بیعت با خلیفه البغدادی را رد کرد (Al-Tamimi, 2014:2)؛ زیرا برای رهبری با ایمن الظواهری مشورت نکرد و از او خواست با جبهه النصره مصالحه کنند. القاعده شبه‌جزیره عربی<sup>۳</sup> متمرکز در یمن نیز با خلیفه بیعت نکرد (Sarhan, 2014:4). در آخر نوامبر ۲۰۱۴ تعدادی فایل صوتی مبنی بر بیعت با خلیفه البغدادی از عربستان سعودی، یمن، شبه‌جزیره سینا و الجزیره پخش شد که هفته بعد مورد قبول البغدادی قرار گرفت و حوزه سرزمین داعش را به آن نواحی نیز گسترش

۱. ایدئولوژی داعش بر چه استوار است؟ ایندیپندنت، کد خبر ۹۴۰۴۱۳۰۶۹۶۲، شنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۴

2. Al-Qaeda in the Islamic Maghreb (AQIM)

3. Al-Qaeda in the Arabian Peninsula (AQAP)

داد.<sup>۱</sup> البته به جز سینا که علاوه بر صوت، تصویر بیعت نیز وجود داشت، سایر صوت‌ها تأیید نشد و حتی القاعده شبه‌جزیره (یمن) اعلام کرد که برای بیعت با خلیفه بایستی متقاعد شود.

رهبری مرکزی القاعده با اعلام خلافت بغدادی مخالفت کرد و ملامحمد عمر، رییس طالبان، را نزدیک‌تر به خلیفه‌گری دانسته (McCants, 2014:93) و حتی نوار ویدئویی قدیمی از اسامه بن لادن پخش کرد که ملاعمر را به خلیفه شدن نزدیک‌تر می‌دانست (Brown, 2010:1-6). الظواهری در هنگام تأسیس القاعده در شبه‌قاره هند<sup>۲</sup> مجدداً تأکید کرد که این شاخه جدید زیر رهبری ملامحمدعمر، رهبر امارات اسلامی افغانستان، فعالیت می‌کند.<sup>۳</sup> به دلیل مخالفت‌های ذکرشده، بعضی فتاوا مبنی بر عدم خلیفه بودن بغدادی، از جمله ابومنظر الشنکتی صادر شد.<sup>۴</sup> از طرف دیگر، طرفداران داعش نیز طی اعلامیه‌هایی مطالب القاعده را تکذیب می‌کردند، چون ملاعمر را از قریش نمی‌دانستند.

#### ب) الگوی سلولی داعش

در این الگو، یک واحد مرکزی وجود دارد که با نشان دادن برتری‌های گفتمانی و کارکردی، بدون هرگونه ارتباط ارگانیک، گروه‌های پیرو پیدا می‌کند. این گروه‌ها، حلقه‌های به هم پیوسته محسوب نمی‌شوند. گروه‌های هوادار یا وجود دارند و یا مانند سلولی و بدون ارتباط با مرکز ایجاد می‌شوند و رشد می‌کنند. این تکثیر سلولی، سازمانی ایجاد می‌کند که عملاً با تعاریف مرسوم از تشکیلات فاصله دارد. آزادی عمل و انعطاف‌پذیری در این سازمان، تقریباً به صورت کامل برقرار است.

الگوی سازمانی داعش مبتنی بر الگوی تکثیر سلولی است. در این الگو، اساساً رابطه سازمانی، چه متمرکز (هم‌چون الگوی هرمی) چه غیرمتمرکز (هم‌چون الگوی زنجیره‌ای)، شکل نمی‌گیرد. برخی گروه‌های تروریستی با رهبر داعش که خود را خلیفه مسلمین خوانده، بیعت می‌کنند؛ اما این بیعت به معنای خط‌گیری دقیق و

1. Abū Bakr al-Baghdādī, “Wa-law kariha ’l-kāfirūn,” Mu’assasat al-Furqān, November 13, 2014. Transcript: <http://www.gulfup.com/?wTJX2C>.

2. al-Qaeda in the Indian Subcontinent (AQIS).

3. Ayman al-Z. awāhirī, et al, “Wa-‘tas. imū bi-h. abl Allāh jamī’an,” Mu’assasat al-Sah. āb, 3 September 2014. Transcript: <http://justpaste.it/gy43>.

4. Abū ’l-Mundhir al-Shinqīt. ī, I’lān al-khilāfa fī ’l-mīzān al-shar’ī, Minbar al-Tawh. īd wa’l-Jihād, 15 July 2014, <http://www.tawhed.ws/dl?i=28071401>.



منطبق کردن برنامه‌های محلی با راهبرد داعش نیست. فارغ از اینکه در آینده چه تحولی در این حوزه رخ می‌دهد، آنچه تاکنون توسط گروه‌های بیعت‌کننده با داعش صورت گرفته، نوعی اعلام هواداری از ابوبکر البغدادی، رهبر داعش است. حتی اگر تقلیدی نیز از راهبرد داعش (یعنی برقراری خلافت اسلامی) صورت می‌گیرد، تاکنون ظاهری و بدون دستاوردهای عملی بوده است. برای مثال، انصار بیت‌المقدس که پس از یک تأیید و تکذیب، در نهایت، بیعت خود را با داعش اعلام کرد، صحرای سینا را به عنوان ولایت سینا که به نوعی تداعی‌کننده گستردگی خلافت البغدادی بر این ولایت است، اعلام کرد؛ اما در عمل، این گروه در صحرای سینای مصر، قدرت کنترل‌کنندگی ندارد که بخواهد به نمایندگی از خلیفه (رهبر داعش) حکومت کند. نشانه‌های معناداری مبنی بر اینکه انصار بیت‌المقدس در پی توسعه نفوذ داعش در مصر باشد نیز دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد توسعه سازمانی داعش مبتنی بر الگوی تکثیر سلولی، شکلی گسترده و غیرمنظم از آن ایجاد کرده است که در عمل، امکان راهبری گروه‌های تحت بیعت را نیز در آن، دشوار می‌کند. گروه‌های تحت بیعت، خودمختارانه و مانند سابق در حوزه‌های محلی خود فعالیت می‌کنند و اساساً جز هوادار نامیدن آنها، شاید نتوان تعبیر دیگری به کار برد. اینکه چرا داعش این‌گونه طرف‌دار پیدا کرده تا جایی که الگوی تکثیر سلولی در میان سازمان‌های تروریستی ایجاد کرده است، دلایل مختلفی دارد. ادعای برقراری خلافت اسلامی و پیاده کردن آن در یک جغرافیای مشخص، به طور قطع، جذابیت‌هایی دارد که می‌تواند گروه‌های فکری-تکفیری را به خود جلب کند. اما آیا جز این الگوبرداری، می‌توان نشان‌های دیگری مبنی بر ارتباط بیعت‌کنندگان با بیعت‌شونده یافت؟ دست‌کم، چنین پیوندی جز در حوزه نیروگیری داعش، تاکنون رسانه‌ای نشده است. این جذب نیرو نیز اساساً به معنای توسعه سازمانی نیست، بلکه توسعه مرکز سازمان را نشان می‌دهد.

تعداد جنگجویان تکفیری به سرعت افزایش یافت، به طوری که تخمین زده می‌شود که تعداد ۹۰۰۰ تا ۲۲۰۰۰ در سال ۲۰۰۱ به ۳۰ تا ۸۸۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۳ افزایش یافت (Seth, 2014: 27). موفقیت‌های داعش در سال ۲۰۱۴ نیز باعث جذب جنگجویان از اقصی نقاط جهان برای جنگ در سوریه، عراق، سومالی، لیبی، افغانستان و پاکستان شد (Rick Jr, 2015: 3). حدس زده می‌شود که تعداد جنگجویان بین‌المللی در سوریه بین ۸,۰۰۰ تا ۱۱,۰۰۰ نفر باشند (Zelin, 2013). آمار دیگری می‌گوید بیش از ۱۵۰۰۰ نفر از هشتاد کشور مختلف به عراق و سوریه برای جنگ، با



عنوان خلیفه ابوبکر البغدادی گسیل شده‌اند (Solomon,2015:2). داعش از قبل، برای اهداف جاه‌طلبانه خود تعداد زیادی هسته مخفی را در شصت کشور جهان تأسیس کرده بود (Solomon,2015:2). بعضی از جنگجویان خارجی بدون تماس قبلی به داعش پیوستند، ولی عمدتاً از طریق دوستان موجود در سوریه، شناخت اتفاقی مثلاً در مسجد، محل کار و... شبکه‌های اجتماعی جذب شدند. ورود این افراد به خاک سوریه از طریق هماهنگی با مرزبانی ترکیه و بنابر درخواست فرد صورت می‌گیرد بعضی موارد نیز به صورت مخفی از مرز ترکیه وارد سوریه می‌شوند (Vinatier,2014:3).

روش کار داعش برای جذب نیرو و گروه‌های محلی این‌گونه است که با اعزام فرمانده‌ای ارشد به مناطق مذکور، به خصوص افریقا نسبت به جذب آنها اقدام می‌کند. برای مثال، شورای جوانان مسلمان با به کارگیری این راهبرد، شهر درنا در شمال شرقی لیبی را تسخیر کرد (Tomlinson,2014:7). به جنگجویان لیبیایی حاضر در سوریه و عراق دستور داده شد که برای کمک به انصار الشریعه به لیبی بازگردند که در نتیجه، مناطق متعددی از بنغازی را تسخیر کردند (Allison,2014:9). بوکوحرام نیز این‌گونه به تبعیت البغدادی درآمد (Elbagir,2015:7) و از سوی داعش مورد حمایت اطلاعاتی و تاکتیکی قرار گرفت (Solomon,2014:1)، ولی بعد براساس دستور داعش به حملات وحشیانه در نیجریه مشغول شدند. پس از حمله تروریستی ۱۸ مارس ۲۰۱۵ به موزه باردو در تونس توسط داعش که منجر به کشته شدن ۲۱ نفر و مجروح شدن ۴۲ نفر دیگر شد (Gall,2015:2)، دولت تونس متوجه شد که حدود ۳۰۰۰ نفر تونسی در اردوگاه‌های آموزشی داعش در عراق، سوریه و لیبی آموزش دیده و به تونس بازگشت‌اند (Keaten & Schemm,2015:1). چون القاعده شیعیان را کافر نمی‌دانست، ابوهدی السوداني از القاعده جدا شد و به داعش پیوست (Joscelyn,2014:7). در مجموع، ۳۴ گروه تروریستی حمایت خود را از القاعده به داعش تغییر دادند.<sup>۱</sup>

جنگ داخلی سوریه رکورد قبلی افغانستان در ورود جنگجویان از خارج را شکسته است و در سه سال گذشته بیش از دوازده هزار تروریست خارجی برای جنگ با ارتش سوریه وارد این کشور شده‌اند، این در حالی است که آمار ورود جنگجویان خارجی به افغانستان در دوره اشغال این کشور از سوی ارتش سرخ شوروی [سابق]، ده هزار نفر بوده است (Blanchard & et.,2014:106). براساس گزارش سازمان ملل، تعداد



1 . IntelCenter's Islamic State's 35 Global Affiliates Interactive World Map, online.



جنگجویان تروریست خارجی بین ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ افزایش یافته و رو به رشد است (Ackerman, 2014).

داعش در افغانستان نیز حضور دارد. آنها توسط ملا عبدالرئوف خدیم، زندانی آزاد شده از گوانتانامو، شروع به جذب نیرو برای داعش کردند که مورد مخالفت طالبان قرار گرفت؛ زیرا در مناطقی که طالبان به طور سنتی حضور داشت، وارد شدند (M. Ahsan, 2015:7)

### ج) دلایل جذب جوانان به ایدئولوژی داعش

- ساده و بسیط بودن ایدئولوژی تکفیری که در قالب نظریه‌ها و تئوری‌ها، پیچیده نشده است؛

- انجام دادن اقداماتی در شبکه‌های اجتماعی هم‌چون محبت به طرفداران خود، تقسیم پول میان آنها، پخش مواد غذایی میان افراد و [تلقین] اینکه اسلام دووجهه رحمانی و آمرانه را توأم با هم دارد؛

- رادیکال بودن ایدئولوژی داعش جذابیت خاصی برای اعضای که به آن می‌پیوندند، دارد؛

- ایدئولوژی داعش که جذابیت آن را افزایش می‌دهد، عمل‌گرا بودن آنهاست. به این صورت که آنها تنها به نوشتار و گفتار اکتفا نمی‌کنند و به هرچه اعتقاد دارند، عمل می‌کنند. برای مثال، اگر زیارتگاه را نماد شرک می‌دانند، به این اعتقاد خود با منهدم کردن آن مکان، جامه عمل می‌پوشانند .

- در جدول یک جنگجویان خارجی (Miller, G.2014) داعش با ملیت آنها ذکر شده است ( FATF, 2015:21) :

جدول یک- ملیت و تعداد جنگجویان خارجی داعش

ردیف	کشور	نفر	ردیف	کشور	نفر
۱	تونس	۳۰۰۰	۲۳	سودان	۹۶
۲	عربستان سعودی	۲۵۰۰	۲۴	اسپانیا	۹۵
۳	اردن	۲۰۸۹	۲۵	دانمارک	۸۴
۴	مراکش	۱۵۰۰	۲۶	سوئد	۸۰
۵	لبنان	۸۹۰	۲۷	کویت	۷۱
۶	فدراسیون روسیه	۸۰۰	۲۸	کانادا	۷۰

۶۸	سومالی	۲۹	۵۵۶	لیبی	۷
۶۰	اندونزی	۳۰	۴۸۸	بریتانیا	۸
۶۰	بوسنی و هرزگوین	۳۱	۴۱۲	فرانسه	۹
۶۰	اتریش	۳۲	۴۰۰	ترکیه	۱۰
۵۰	اوکراین	۳۳	۳۵۸	مصر	۱۱
۵۰	ایتالیا	۳۴	۳۳۰	پاکستان	۱۲
۴۰	نروژ	۳۵	۲۹۵	بلژیک	۱۳
۳۰	قرقیزستان	۳۶	۲۵۰	استرالیا	۱۴
۲۶	ایرلند	۳۷	۲۵۰	الجزایر	۱۵
۲۳	افغانستان	۳۸	۲۴۷	عراق	۱۶
۲۰	فلسطین	۳۹	۲۴۰	آلمان	۱۷
۲۰	فنلاند	۴۰	۱۵۲	هلند	۱۸
۱۵	قطر	۴۱	۱۴۸	آلبانی	۱۹
۱۴	امارات عربی متحده	۴۲	۱۳۰	امریکا	۲۰
۱۲	بحرین	۴۳	۱۱۰	یمن	۲۱
			۱۰۰	چین	۲۲

#### د) منابع مالی داعش

گفته می‌شود داعش نزدیک به ۶۰ هزار نیروی تحت امر دارد که ۲۰ هزار نفر از این تعداد نیروی خارجی است. البته در گزارش‌هایی نیز کل نیروهای داعش ۴۰ هزار نفر برآورده شده است. در برآوردهایی که ایندپندنت از طریق گفت‌وگوهای متعدد و جمع‌آوری اطلاعات داشته است، نیروهای محلی داعش در عراق حقوق ماهیانه‌ای معادل ۵۰۰ دلار دریافت می‌کردند که اخیراً به ۳۵۰ دلار در ماه کاهش یافته، اما نیروهای رده بالاتر و فرماندهان داعش مبالغی به مراتب بالاتر دریافت می‌کنند. ایندپندنت ادامه می‌دهد حدود ۲۰ هزار نیروی خارجی برای داعش مبارزه می‌کنند که این افراد هم با دست‌کم، حقوق ماهیانه ۸۰۰ دلار و بالاتر از آن عضو داعش شدند.



بدین ترتیب اگر متوسط حقوق پرداختی به ۲۰ هزار نفر را ۶۰۰ دلار در نظر بگیریم، در ماه رقمی بالغ بر ۱۲ میلیون دلار و سالانه ۱۴۴ میلیون دلار را شامل می‌شود. نیروهای محلی داعش هم رقمی حدود ۲۰۰ دلار در ماه دریافت می‌کنند که در سال ۲ هزار و ۴۰۰ دلار می‌شود که در مجموع، برای ۴۰ هزار نفر ۹۶ میلیون دلار می‌شود. بدین ترتیب حقوق پرداختی ۶۰ هزار عضو داعش در سال ۲۵۰ میلیون دلار است.<sup>۱</sup>

اما منابع مالی داعش از طرق زیر تأمین می‌شود:

۱. فروش نفت: تولید روزانه ۱۲۵ هزار بشکه نفت دنیا در اختیار تروریست‌های داعش است. داعش روزانه حدود ۲۰۰ تانکر نفت ارزان به ترکیه می‌برد و به واسطه‌ها می‌فروشد. روزی ۳ تا ۵ میلیون دلار درآمد نفتی به دست می‌آورد.<sup>۲</sup> داعش هر بشکه نفت را به قیمت ۳۵-۲۰ دلار می‌فروشد (M., Toorn, 2015: 24)، یعنی هر کامیون به مبلغ ۳ تا ۵۰۰۰ دلار به فروش می‌رسد که فرصت مناسبی برای تأمین درآمدهایش است (Philips. M, 2014: 70). داعش از روشی مخصوص برای استخراج حداکثری نفت خام استفاده می‌کند (Marcel, V, 2014: 59-70)؛ چون داعش تجهیزات و تجربه لازم برای استخراج ندارد، به طور متوسط روزانه ۵۰ هزار بشکه استخراج می‌کند (Lerman, D, 2014: 17). یک تحلیل‌گر می‌گوید: در نیمه سال ۲۰۱۴ داعش روزانه دو میلیون دلار از فروش نفت کسب می‌کرد (Lyster, 2014: 2).

۲. دریافت پول از خانواده‌گروگان‌ها: اخیراً نیویورک تایمز مقاله‌ای منتشر کرد که بر مبنای آن تروریست‌های القاعده و سایر گروه‌های تروریستی در خاورمیانه و شمال آفریقا مبلغ ۱۲۵ میلیون یورو در قبال آزادی گروگان‌ها از دولت‌های گوناگون دریافت کرده‌اند. گروگان‌گیری شهروندان غربی به یکی از راه‌های تولید درآمد برای تروریست‌ها تبدیل شده است. داعش هم از این قاعده مستثنا نیست. هرچند گفته می‌شود هنوز آمریکا به این گروه بابت آزادی گروگان‌های آمریکایی مبلغی پرداخت نکرده گزارش‌هایی از پرداخت مبالغ کلان توسط برخی کشورهای اروپایی در ازای آزادی گروگان‌ها منتشر شده است. خانواده جیمز فولی، خبرنگار آمریکایی، ایمیلی از تروریست‌های داعش منتشر کرده بود که در آن تروریست‌ها خواستار دریافت ۱۰۰ میلیون دلار در قبال آزادی او شده بودند!

۳. فروش جسد: داعش به تازگی برای تحویل هر جنازه، بین ۱۰ تا ۲۰ هزار دلار پول

۱. داعش چگونه حقوق می‌دهد؟ کد خبر: ۱۴۱۲۲۵۱۴۱، اسفند ۱۳۹۳، سایت فرارو  
۲. درآمد داعش از فروش نفت چقدر است؟ کد خبر: ۴۳۲۵۶۰، ۱۵ شهریور ۱۳۹۳، سایت تابناک



از خانواده قربانیان نبرد با این گروه تروریستی تقاضا می‌کند. نشریه آلمانی فرانکفورتر آگماینه زونتگ ساتونگ در این باره نوشته است: به نظر می‌رسد گروه تروریستی داعش با مشکل مالی روبه‌روست که اقدام به فروش جنازه‌های پیشمرگ‌های کرد می‌کند.

۴. فروش عتیقه: هر چند اخیراً ویدئویی منتشر شده مبنی بر اینکه تخریب آثار باستانی موزه موصل را نشان می‌دهد، بعید به نظر می‌رسد که این گروه دست به چنین کارهایی بزند؛ زیرا که از سال ۲۰۱۱ که داعش در شمال سوریه به قدرت رسید، تجارت اشیای عتیقه را به طور جدی آغاز کرده است و این روند را در عراق نیز ادامه می‌دهد؛ به طوری که براساس گزارشی که کارگروه مربوط در یونسکو منتشر کرده است، بسیاری از آثار باستانی مناطق تحت تصرف داعش به اروپا و برخی کشورهای عربی منتقل شده‌اند و هم‌اکنون در اختیار مجموعه‌داران قرار دارد. داعش با فروش عتیقه و محصولات فرهنگی به قاچاقچیان درآمد کسب می‌کند (Pringle, 2014: H). براساس گزارش جغرافی ملی تاکنون داعش و سایر گروه‌ها حدود ده میلیون دلار درآمد کسب کرده‌اند. داعش حدود ۴۵۰۰ مرکز باستانی را تحت کنترل دارد و حدود ۹۰ درصد مناطق باستانی در معرض جنگ قرار دارند. بعضی از این بناها تا ۸۰۰۰ سال قدمت دارند (Chulov, M, 2014: 4).

۵. دریافت باج از قاچاق: با وجود جنگ با نیروهای ائتلاف ضد داعش و همچنین ارتش و شبه‌نظامیان عراقی در اکثر مناطق تحت تصرف داعش، کالاهای اساسی به وفور یافت می‌شود. قاچاقچیان بدون پرداخت باج به تروریست‌های داعش قادر به ورود کالاها از طریق ترکیه و سوریه به منطقه نیستند. این باج بخش دیگری از منابع مالی داعش را تأمین می‌کند که در حقیقت، به نوعی دریافت حق گمرکی به شمار می‌رود. طبیعی است که انتقال دارو و حتی مواد مخدر نیز از همین قاعده تبعیت می‌کند و قاچاقچیان می‌توانند با پرداخت هزینه لازم، نسبت به انتقال مواد مخدر از مناطق اشغالی به ترکیه و سپس اروپا اقدام کنند. داعش برای عبور هر کامیون از مرز عراق و سوریه مبلغ ۲۰۰ دلار مالیات راه و ۸۰۰ دلار مالیات گمرکی می‌گیرد (Brisard, J.C. & Martinez, D, 2015: 3). بنا بر گزارش سازمان ملل از راه دزدی از افراد حدود ۳۵ تا ۴۵ میلیون دلار کسب کرده است.<sup>۱</sup>

۶. کمک‌های مالی کشورهای عربی: آن‌طور که منابع دولت عراق و اقلیم کردستان عراق می‌گویند داعش هم‌چنان از سوی برخی کشورهای عربی حمایت مالی می‌شود. علاوه

1. UN al-Qaida Sanctions Committee, Monitoring team's report on the threat posed by ISIL and ANF, UN, 24.



بر آن، کمک‌هایی که به سایر گروه‌های تکفیری فعال در سوریه می‌شود نیز به دست داعش می‌رسد. فوآد حسین رئیس دفتر مسعود بارزانی رییس منطقه کردستان عراق در این باره گفته است: تاکنون برخی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به نیروهای مخالف دولت سوریه کمک مالی می‌کردند، اما اکنون این افراد جذب داعش، النصره و القاعده شده‌اند و در واقع، اکنون داعش، النصره و القاعده هستند که کمک مالی دریافت می‌کنند. فوآد حسین در ادامه، دلیل کمک‌های مالی کشورهای عربی به داعش را ترس آنان از حملات این گروه می‌داند و می‌گوید: «داعش با دریافت کمک‌های مالی از این کشورها، به آنان وعده می‌دهد که عملیات در خاکشان انجام ندهد.»

۷. کمک‌های مالی گروه‌های خیریه مذهبی: در همین حال، بسیاری از ثروتمندان و شیوخ عرب همواره با دست و دلبازی کمک‌های مالی زیادی به انجمن‌ها و گروه‌هایی می‌کنند که به گفته خودشان در راه «ترویج اسلام» فعالیت دارند. مبالغ هنگفتی از این کمک‌های مالی از طریق کانال‌هایی در اختیار تروریست‌های داعش قرار می‌گیرد. برخی از این انجمن‌های خیریه و مذهبی در اروپا و آمریکا فعالیت دارند و اموالشان را از طریق شرکت‌های سرمایه‌گذاری غربی در چرخه اقتصاد غرب به جریان می‌اندازند و سود حاصله را برای داعش، القاعده و گروه‌های مشابه ارسال می‌کنند. رساندن پول خیریه به داعش می‌تواند از طریق سایر گروه‌های تروریستی یا از طریق نظام بانکی بین‌المللی با ریسک انجام شود (Fadel, L, 2014:18).

۸. دستبرد به بانک‌ها: اصلی‌ترین جهش مالی داعش بعد از تصرف موصل صورت گرفت. این نیروها بسیاری از بانک‌ها و ادارات را غارت کردند و صدها میلیون دلار سرمایه به دست آوردند؛ به طوری که تنها اموال به دست آمده از بانک‌های موصل برای تأمین دستمزد نیروهای داعش در طول یک سال اکتفا می‌کند. منابع عراقی گفته‌اند خزانه بانک مرکزی شهر موصل به هنگام حمله داعش به این شهر ۴۲۰ میلیون دلار آمریکا بودجه داشته است. همچنین براساس گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا، حدود ۵۰۰ میلیون دلار نقد از بانک‌های استان نینوا به دست داعش افتاد.<sup>۱</sup>

۹. دریافت برنامه مالیات: داعش همواره تلاش کرده است شبکه‌هایی را در جوامع زیر سیطره خود تأسیس و منبع تأمین اموال خود را تضمین کند. این گفته را می‌توان از خلال سرمایه‌هایی که این گروه به طور برنامه‌ریزی شده به دست می‌آورد به خوبی اثبات کرد. چارلز لستر، پژوهشگر اندیشکده بروکینگز دوحه، می‌گوید: تخمین‌های بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد داعش با تحمیل مالیات بر

مناطقى همچون استان الرقه در شمال شرق سوریه که تحت سیطره‌اش خود قرار دارد، اموال خود را تأمین می‌کند. داعش از تمام فعالیت‌های اقتصادی ۵ درصد مالیات می‌گیرد (Salman, R. and Bayoumy Y, 2015:2).

۱۰. سلاح‌های به‌دست‌آمده از ارتش عراق: با سقوط تعدادی از پادگان‌ها و مراکز نظامی عراقی مقادیر زیادی سلاح‌های سبک و سنگین ارتش این کشور به دست تروریست‌های داعش افتاد. این سلاح‌های مدرن که نیاز جنگجویان داعش را تأمین می‌کند، همگی در سال‌های اخیر توسط دولت عراق در راستای بازسازی ارتش این کشور خریداری شده بود.

۱۱. غارت اموال مسلمانان و غیرمسلمانان عراق و سوریه: پس از فرار مسیحیان، ایزدی‌ها و سایر گروه‌های مذهبی در مناطقی که داعش، اموال آنان نیز به غارت رفت. از زمان آغاز فعالیت داعش بیش از یک میلیون نفر در عراق آواره شده‌اند.

۱۲. فروش زنان و کودکان به عنوان برده: بازار برده فروشی شهر موصل در کوی القدس دایر شده، تا به تبع آن در شهر رقه، در شمال سوریه نیز بازار مشابهی به همین منظور تشکیل و در عمل، برده فروشی به یکی از منابع درآمد ثابت داعش تبدیل شود. البته برده فروشی بیش از آنکه درآمد مالی داشته باشد، به منظور تهییج نیروهای داعش استفاده می‌شود. البته احتمال دارد که گروه‌های سازمان یافته قاچاق انسان از این زنان و کودکان برای کمپ‌ها و کلپ‌های جنسی بهره ببرند. داعش از فروش انسان‌ها به خصوص زنان و کودکان منابع درآمدی خود را تأمین می‌کند (Dalton, M., & Coker, M, 2014: 11). فروش زنان ایزدی نیز یکی دیگر از منابع درآمدی داعش است (Wood, P, 2014). حدود ۱۳ دلار برای زنان برده توسط جنگجویان داعش پرداخت می‌شود.<sup>۱</sup> در صورتی که برای آزادی زنان ایزدی مبلغ ۳۰۰۰ دلار پرداخت می‌کنند.<sup>۲</sup> هر ماه حدود ۸ میلیون دلار از فروش زنان و برده‌ها فقط در موصل به دست می‌آید (Dilanian, 2014: 8).

۱۳. غصب کشاورزی: غصب کشاورزی فرصت دیگری برای افزایش و تولید منابع درآمدی داعش است (Fick, ۲۰۱۵). داعش در سوریه از محصولات کشاورزی زکات می‌گیرند (Abu al-Khair, W, 2014: 14). براساس گزارش سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل ۴۰ درصد زمین‌های کشاورزی عراق در اختیار داعش است.<sup>۳</sup> درآمد

1. ibid

2. ibid

3. UN Food and Agriculture Organisation (2014), Global Information and early warning system on food and agriculture (GIEWS), Special alert No. 332, <http://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/IRAQ%20GIEWS%20Special%20alert.pdf>, accessed 10 February 2015.



حاصل از فروش محصولات اساسی کشاورزی تحت کنترل مناطق داعش، با ترساندن کشاورزان به وقوع می‌پیوندد (Fick, M. and El Dahan, M, 2014:6). در گذشته، داعش با کنترل منابع آبی مانند سد فلوجه، به تخریب زمین‌های کشاورزی اقدام می‌کرد (Fick, M. and El Dahan, M, 2014). سرانجام زیرآب بردن ۱۶۰ کیلومتر از زمین‌های زیر کشت باعث بی‌آبی مردم کربلا، نجف و بابل شد.<sup>۱</sup>

۱۴. استخراج و تولید سایر منابع: داعش با استخراج از معدن و کارخانه سولفات درآمد دیگری برای گذران امور خود به دست آورد (Brisard, J.C. & Martinez, D, 2014:7). همچنین با در اختیار گرفتن پنج کارخانه سیمان عراق و استخراج منابع سولفور در سوریه برای خود درآمدزایی می‌کند.

۱۵. مالیات بر حقوق: با توجه به اینکه دولت عراق از انتقال پول به مناطق تحت کنترل داعش جلوگیری می‌کند، حقوق کارمندان عراقی به صورت نقد ارسال که داعش از آنها تا ۵۰ درصد مالیات می‌گیرد (Solomon, E, 2014).

۱۶. ربایش افراد: داعش تاکنون صدها نفر از عراقی‌های محلی، سوری‌ها و اقلیت‌های قومی را دزدیده و در مقابل آزادی آنها پول درخواست کرده است. در سال ۲۰۱۴، داعش از ربایش و گروگان‌گیری افراد بین ۲۰ تا ۴۵ میلیون دلار کسب کرده.<sup>۲</sup> گزارش دیگری می‌گوید بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲ حدود ۱۲۰ میلیون دلار برای آزادی گروگان‌های خارجی به تروریست‌ها پرداخت شد (Lukens, 2012).

#### ه) رابطه داعش و امریکا

شیخ نبیل نعیم، مؤسس سازمان الجهاد مصر، گفت داعش با حمله به سامرا یکپهزار سنی را کشت و الان شیعیان را به قتل می‌رساند که این سیاست امریکا است. کیسینجر نظریه‌ای به نام «جنگ صد ساله» دارد که همان جنگ ایجادشده میان اهل سنت و شیعیان است. ابومصعب الزرقاوی فردی بود که مساجد اهل سنت و شیعیان را منفجر می‌کرد تا جنگ طایفه‌ای در منطقه به راه بیندازد. اکنون القاعده و داعش با یکدیگر

1. ibid

2. FATF (2011), Organized Maritime Piracy and Related Kidnapping for Ransom, FATF, Paris, [www.fatf-gafi.org/media/fatf/documents/reports/organised%20maritime%20piracy%20and%20related%20kidnapping%20for%20ransom.pdf](http://www.fatf-gafi.org/media/fatf/documents/reports/organised%20maritime%20piracy%20and%20related%20kidnapping%20for%20ransom.pdf).

اختلاف اعتقادی ندارند، بلکه اختلاف آنها سازمانی است. مؤسس سازمان الجهاد مصر درباره آینده داعش گفت: هرچه جوانان به سوی تفکرات تکفیری جذب شوند، داعش قوی‌تر می‌شود. اکنون القاعده و داعش به نفع آمریکا در حال جنگ هستند. آنها با سنی و شیعه و با دولت‌ها وارد جنگ می‌شوند. داعش همه مردم را کافر و خونشان را مباح می‌داند. القاعده و داعش افکار منحرف و خوارجی دارند. داعش امریکایی‌ها را نکشته و معارضانی که با ارتش بشار اسد با شدت هر چه تمام می‌جنگند، حتی یک تیر به سوی اسرائیل شلیک نکرده‌اند. آنها معتقدند که جنگ با مرتد بر جنگ با کافر اصلی اولویت دارد. در دیدگاه آنها حکام عرب و ارتش‌های عرب مرتد هستند و جنگ با آنها بر جنگ با کفار - اگرچه یهودی باشند - اولویت دارد.<sup>۱</sup>

سیمون هرش<sup>۲</sup> در مقاله‌ای در آوریل ۲۰۱۴ بیان می‌دارد طی یک توافق‌نامه محرمانه بین سازمان اطلاعات آمریکا، دولت ترکیه و مسلحان سوریه به نام «خط موش صحرائی»<sup>۳</sup> قرار شده این شبکه مخفی سلاح و مهمات را از لیبی (سلاح و مهماتی که آمریکا و ناتو برای سرنگونی حکومت معمر القذافی به لیبی ارسال کردند)، از طریق جنوب ترکیه و در عرض مرز سوریه با پشتیبانی مالی ترکیه، عربستان سعودی و قطر به سوریه برسانند. هرچند آمریکا اظهار می‌کرد این سلاح‌ها سلاح سنگین نبوده و برای ارتش آزاد سوریه است، در واقع، در اختیار تروریست‌ها قرار می‌گرفت. جمال معروف، فرمانده ارتش آزاد سوریه، در آوریل ۲۰۱۴ گفت که با جبهه النصره شاخه القاعده در سوریه عملیات مشترک علیه دولت بشار انجام می‌دهند. به‌رغم اطلاع دولت آمریکا از همکاری‌های میدانی، هیچ‌گونه اقدامی صورت نداد که نشانگر تمایل آمریکا به تسلیح تروریست‌ها برای مقابله با دولت بشار اسد و به شکل کلی تر محور مقاومت در منطقه بود.<sup>۴</sup> همچنین ورود تروریست‌ها به داخل سوریه از طریق مرز ترکیه است.<sup>۵</sup>

در فوریه ۲۰۱۴ روزنامه هآرتس گزارش داد که آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش عربستان سعودی، اردن و رژیم اشغالگر قدس به شورشیان آموزش‌های هجومی دادند

۱. افشاگری‌های یکی از بنیانگذاران القاعده در خصوص داعش، کد مطلب: ۲۶۴۰۸۹، شنبه ۷ تیر ۱۳۹۳، همشهری آنلاین

2 Seymour Hersh

3. rat line

4. SCGNews. The Covert Origins of ISIS ,Evidence exposing who put ISIS in power, and how it was done.p.2.

5. "Islamic State 'has 50,000 fighters in Syria'." *Al Jazeera*, August 19, 2014.

<http://www.aljazeera.com/news/middleeast/2014/08/islamic-state-50000-fighters-syria-2014819184258421392.html> .





تا علیه حکومت بشار اسد بجنگند. یک ماه بعد در ژوئن ۲۰۱۴، داعش با اشغال موصل، بیچی و ... عملاً بر یک سوم عراق تسلط یافت. آنها تسلیحات امریکایی مانند بالگرد، تانک، نفربر و ... بسیاری را به غنیمت بردند، در حالی که طبق دکترین نظامی امریکا در صورتی که امکان حفظ تسلیحات و مهمات نظامی توسط کشور دوست وجود نداشته باشد، بایستی به تخریب و انهدام آن اقدام کرد؛ در حای که امریکا نه تنها هیچ اقدامی نکرد، بلکه باعث شد آنها را به مکانی امن نیز منتقل کنند.<sup>۱</sup>

«اخضر ابراهیمی» نماینده وقت سازمان ملل در سوریه گفت: «داعش پسر القاعده‌ای است که ابومصعب الزرقاوی (در عراق) آن را رهبری می‌کرد.» وی افزود: «دلیل اصلی ظهور داعش، حمله امریکا به عراق است.» امریکا در سال ۲۰۰۳ به بهانه وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق، به این کشور حمله کرد. به گفته ابراهیمی، امریکایی‌ها شرایط حضور القاعده را در عراق فراهم کرده‌اند. وی حمله امریکا به عراق را «اشتباهی بزرگ» و عامل چند دستگی در این کشور دانست.<sup>۲</sup>

گزارش منتشر شده از سوی آژانس اطلاعات دفاعی امریکا به تاریخ ۱۲ آگوست ۲۰۱۲/۲۱ مرداد ۱۳۹۱ تصریح می‌کند: «غرب، کشورهای حوزه خلیج فارس و ترکیه از مخالفان سوری حمایت می‌کنند... احتمال تشکیل اعلام شده یا نشده حکومتی تکفیری در شرق سوریه وجود دارد و این امر دقیقاً آن چیزی است که قدرت‌های حمایت‌کننده از مخالفان دولت اسد خواهان آن هستند تا رژیم سوریه منزوی شود.» امریکا به طور قطع با داعش است، ولی اگر هم مخالف آن بود، در رویارویی با داعش از گزینه‌های نظامی کارآمدی برخوردار نبود. بعید است تاکتیک‌های ضد تروریستی و مبارزه با شورش‌ها و آشوب‌های مسلحانه و البته روش‌های متعارف، واشنگتن را به پیروزی قطعی در برابر گروهی برساند که براساس اسناد فاش شده، قرار بوده به‌مثابه ابزاری برای نیل واشنگتن به اهدافش در غرب آسیا نقش ایفا کند. تلاش‌های رهبران سیاسی و نظامی امریکا به منظور تضعیف داعش راه به جایی نبرده است و جالب آنکه واشنگتن اکنون برای کسب حمایت‌ها و کمک‌های کشورهای منطقه، تقلا می‌کند.<sup>۳</sup>

### افتراقات و تشابهات القاعده و داعش

بعضی از تفاوت‌های القاعده و داعش از منظر ایدئولوژیک، سازمانی و جهادی در زیر آمده است.

1 - ibid, p.4.

۲. اخضر ابراهیمی: داعش پسر القاعده است که با حمله امریکا به عراق متولد شد، ۰۶ اسفند ۱۳۹۳، کد خبر: ۳۸۶۵۰، سرویس کیهان.

۳. داعش، دارایی راهبردی امریکا، کد مطلب: ۲۹۰۲۷۶، شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۴، سایت الف





## الف) افتراقات القاعده و داعش از منظر ایدئولوژیک

۱. تشکیل خلافت: در حالت افراطی، القاعده مدعی است که برای ایجاد «خلافت اسلامی» و جاری کردن قوانین شریعت در آن می‌جنگد؛<sup>۱</sup> ولی در شرایط کنونی در پی تشکیل حکومت، دولت یا خلافت در یک محیط جغرافیایی نیست؛ در حالی که داعش، در پی تشکیل «خلافت» است و محیط جغرافیایی آن را نیز اعلام کرده و دنبال سرزمین، قلمرو و متصرفات است تا کشوری متشکل از مسلمانان سنی ایجاد کند و آن را از طریق تفسیر خشونت‌آمیز و تکفیری از شریعت، اداره کند.

۲. حق بیعت: القاعده بیعت تمام گروه‌های جهادی، از جمله داعش با خود را، حق خود می‌داند و اولین گروهی بود که اقدام به اخذ بیعت کرد و خود را نسبت به تمام گروه‌های جهادی در این زمینه «اولی» می‌داند؛ در حالی که داعش خود را زیرمجموعه القاعده حساب نکرد و اعلان خلافت کرد. که در نتیجه، سران القاعده بایستی با بغدادی به عنوان «خلیفه» بیعت می‌کردند.<sup>۲</sup> بغدادی در این ادعا دو شاخصه مهم داشت: یکی اینکه «قریشی» بود و دیگر آنکه از سوی، «حاملان علم جهاد» برای وی «بیعت» گرفته شده بود.

۳. تکفیر عاذر: گروه‌هایی که قائل به «جواز عذر بالجهل» هستند، «عامل به حرام» را، مسلمان می‌دانند، اما وی را در ردیف «فاسق» جای می‌دهند؛ ولی گروه‌هایی که عذر به جهل را نمی‌پذیرند، همانند گروه داعش، اساساً «عامل به حرام» را «کافر و مرتد» می‌پندارند.

۴. مشروعیت دموکراسی: القاعده ایجاد حکومت براساس روش دموکراسی را طاغوت نمی‌داند، از جمله اینکه پس از زندان افتادن محمد مرسی، رئیس‌جمهور اخوانی مصر، از وی حمایت کرد و آشکارا به «طاغوت دموکراسی» گردن نهاد و نه تنها مرسی را تکفیر نکرد، بلکه از وی تقدیر نیز کرد. ولی اعتقاد داعش این است که هر کس به حکومت طاغوت (دموکراسی) گردن نهد، باید تکفیر شود، مانند القاعده. داعش مفهوم دولت ملی را رد کرده است و ناسیونالیسم به همراه دموکراسی و سکولاریسم را همسان «بت‌پرستی» می‌داند.

۵. شیعیان: ایمن الظواهری سخن از شمولیت اسلام و مذاهب آن کرده و اقدامات خشونت‌بار داعشی‌ها علیه شیعیان را انحرافی ناشی از گم کردن دشمن دانسته است؛

1. MI5, "Al Qaida's Ideology." Accessed October 10, 2014. <https://www.mi5.gov.uk/home/thethreats/terrorism/international-terrorism/the-nature-of-the-threat/al-qaidas-ideology.html>.

۲. ماهر الخطیب، «ما بین القاعده و داعش: الظواهری بیتجاهل إعلان الخلافة»، موقع النشره اللبنانیة، ۰۶/ ۲۰۱۴/۰۹.

در حالی که داعش بر خورد حقدآمیز و کینه‌توزانه علیه شیعیان و حذف فیزیکی آنان را - که برگرفته از رویکرد تکفیری ابومصعب الزرقاوی است - را اولویت خود دانسته و در عراق جنگ را ابتدا علیه شیعیان و سپس علیه نیروهای اشغالگر غربی اعلام کرده بود. ۶. نوع دشمن: الظواهری، جنگ با کشورهای فرامنطقه‌ای را راهبردی تر می‌دید؛ در حالی که بغدادی جنگ با دشمن نزدیک (شیعیان و دولت‌های منطقه) را اولویت خود می‌دانست (Fishman, 2006: 20-21).

۷. اقلیت‌ها، طوایف و ادیان: القاعده قائل به تفکیک بوده، بین کافر اصلی و غیر اصلی تفاوت قائل‌اند. شیوخ القاعده حتی بین علما و عوام شیعه نیز در این باره قائل به تفکیک هستند.<sup>۱</sup> این سازمان در قبال غیرمسلمانان از قبیل مسیحیان و ایزدیان نیز قائل به کافر اصلی بودن آنها هستند، اما اعلام کرده‌اند که غیر از اخذ جزیه، نیازی به قتل آنها، مگر در حالت محاربه نیست. در حالی که بر پایه عقاید داعش، تمام اقلیت‌های غیرسنّی «کافر اصلی» به شمار می‌روند و احکام شرعی کامل کافر بر آنها جاری می‌شود.

۸. مخاطبان گروه‌ها: القاعده «امت» را هدف سخن می‌داند، ولی داعش مخاطب خود را «شهروندان تحت کنترل خود» قرار می‌دهد.

۹. راهبرد سیاسی: هدف القاعده ترویج سلفی‌گری جهادی، مقابله مسلحانه با منافع غربی‌ها و امریکایی‌ها و نیز حامیان امریکایی‌ها در منطقه و حمایت از حقوق مسلمانان (اهل سنت) بوده است و خود را یک گروه شورشی جهانی و متحدکننده جوامع مسلمان علیه دولت‌های سکولار می‌داند؛ در حالی که راهبرد سیاسی داعش تشکیل خلافت در منطقه‌ای خاص بوده و نقشه سیاسی محیط جغرافیایی مورد نظرش برای تشکیل امارت اسلامی را اعلام نموده و در پی ایجاد نظم به اصطلاح مذهبی جدید منبعث از اندیشه تکفیری است و می‌خواهد قوانین و مقررات اسلامی را براساس ایدئولوژی خود در یک منطقه جغرافیایی اجرا کند.

#### ب) افتراقات القاعده و داعش از منظر سازمانی

۱. زمان تأسیس: القاعده در سال ۱۹۸۹ آغاز به کار کرده است. داعش در سال ۲۰۰۶ با نام دولت اسلامی عراق به وجود آمد.

۲. شکل‌گیری گروه: القاعده در دوران پس از حمله شوروی سابق به افغانستان در سال

۱۹۷۹ شکل گرفت. دیدگاه‌های جهان‌شمولی و تفکرات سرکرده‌های القاعده در ده سال جنگ علیه شوروی سابق و در حالی شکل گرفت که هزاران جنگجوی مسلمان از جمله اسامه بن لادن کنترل افغانستان را در دست گرفتند. پس از آن دوران، القاعده شکل یک شبکه جهانی را به خود گرفت که با هدف ترغیب مسلمانان به تشکیل جبهه‌ای مشترک علیه قدرت‌های سکولار، به اهداف غربی یا متحدان غرب حمله می‌کرد.<sup>۱</sup> داعش در نتیجه حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ شکل گرفت. در زمان شکل‌گیری، القاعده عراق (هسته اولیه تشکیل‌دهنده داعش) تنها گروهی متشکل از جنگجویان افراطی بودند که بنابر دیدگاه القاعده مرکزی با امریکایی‌ها می‌جنگیدند؛ ولی در تلاش برای ترویج جنگ داخلی فرقه‌ای، به شهروندان شیعه عراقی نیز حمله می‌کردند. با کشته شدن الزرقاوی و جایگزینی دیگران، در نهایت در سال ۲۰۱۱ ابوبکر البغدادی با اعلام تشکیل گروه دولت اسلامی عراق رهبری گروه را به دست گرفت. با شروع اعتراضات علیه دولت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوری، و تبدیل شدن ناآرامی‌ها به درگیری‌های داخلی تمام‌عیار، گروه دولت اسلامی عراق از این آشفتگی سوءاستفاده کرد و سرزمین‌هایی را در شمال شرقی سوریه اشغال و آنجا را به مرکز عملیاتی تبدیل کرد و نام خود را به داعش تغییر داد.<sup>۲</sup>

۳. ساختار: با توجه به محدود بودن نیروهای القاعده، انسجام رفتاری این گروه، با همه روابط غیرمتمرکزی که در آن وجود دارد، بیش از داعش بوده است. با در نظر گرفتن گروه‌های بیعت‌کننده با داعش در ساختار کلان آن، سازمان داعش متفاوت بوده، انسجام رفتاری آن کمتر از القاعده است.

۴. انسجام سازمانی و ساختاری: القاعده چون هیچ منطقه جغرافیایی در دست ندارد، انسجام سازمانی کمتری دارد؛ در حالی که داعش بر مناطقی از عراق و سوریه تسلط دارد و از لحاظ سازمانی منسجم، تا حدی منظم و البته جامع‌تر است، زیرا ناچار است به مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاست داخلی و حتی سیاست خارجی بیندیشد و عمل کند.

۵. نوع سازمان: القاعده یک سازمان کوچک نخبه‌گرا و به دنبال معتقدان واقعی است؛ در حالی که داعش یک حزب و یک ارتش توده‌گراست که به دنبال حکومت بر کشورهاست.

۱. پیشینه داعش و تفاوت‌های آن با القاعده/ داعش فقط یک گروه تروریستی نیست، کد خبر: ۴۶۷۷۸/۱۲/۱۰، ۱۳۹۳، دیپلماسی ایرانی  
۲. همان.



۶. نوع رهبری: القاعده به طور متمرکز تحت رهبری بن لادن و معاونان خود بوده است ولی داعش سازمانی با رهبری جمعی دارد.

۷. رهبری کاریزماتیک: القاعده رهبری کاریزماتیک (بن لادن) مجهز به مهارت‌های سخنوری داشت که هواداران متعصب و جوان را تحت تأثیر قرار می‌داد، ولی پس از مرگ او، ایمن الظواهری فاقد آن کاریزما است (Daniel L. Byman, 2011:4)؛ در حالی که داعش، رهبری کاریزماتیک ندارد و خلیفه‌اش در اولین سخنرانی تلویزیونی خود ناکام ماند.

۸. نیروی انسانی: القاعده عمدتاً ده‌ها تا صدها نیرو در اختیار دارند، سرزمین‌هایی را به تسخیر خود در نمی‌آورند و به طور مستقیم با نیروهای نظامی درگیر نمی‌شوند؛ در حالی که داعش براساس آمارهای مختلف بین ۳۱ تا ۸۸۰۰۰ نیروی رزمی در اختیار دارد، مناطقی در عراق و سوریه را در کنترل خود گرفته و از توانایی‌های نظامی گسترده‌ای برخوردار است. همچنین ساختارهای فرماندهی تشکیل داده است، لذا داعش را باید یک «شبه‌دولت» نامید.

۹. فناوری اطلاعات: هسته مرکزی القاعده همچنان از تلفن همراه، پیامک و اینترنت مانند وب‌سایت و فروم آنلاین استفاده می‌کند.<sup>۱</sup> در حالی که داعش از تلفن‌های هوشمند و پلت فرم شبکه‌های اجتماعی، مانند: تویتر، یوتیوب، فیس بوک، اینستاگرام و ... و نیز هک استفاده می‌کند (L. Byman & R. Williams, 2015:4). این روش‌ها در شکل جدید تروریسم استفاده می‌شود (Hennigan, 2014:9). روزانه حدود ۱۰ هزار بازدید در تویتر انجام می‌شود (JM Berger, 2014:9).

۱۰. الگوی فرماندهی و فرمان‌پذیری: با وجود همه ضعف‌ها و فرمان‌گریزی‌هایی که در گروه‌های فعال در سازمان القاعده وجود دارد، این سازمان در این حوزه منسجم‌تر از داعش است. رفتارهای گروه‌ها در سازمان کلان داعش، بسیار مستقل‌تر از سازمان القاعده است و سیستم‌های کنترلی البغدادی بر گروه‌های بیعت‌کننده با او اساساً وجود ندارد یا نشانه‌ای از آن در دسترس نیست تا بشود آن را محک زد.

۱۱. ملیت نیروها: فرماندهان القاعده از اعراب الجزایر، مصر، عربستان سعودی و یمن بوده‌اند، ولی بیشتر نیروهایش بومی و عده‌ای خارجی از چین، داغستان، تاجیکستان

1. "How Al-Qaeda Uses Encryption Post-Snowden (Part 2) – New Analysis in Collaboration With ReversingLabs." Recorded Future, August 01, 2014. <https://www.recordedfuture.com/al-qaedaencryption-technology-part-2/>

و ازبکستان هم هستند (Gunaratna, 2002: 57-59)؛ در حالی که بیشتر افراد داعش را اتباع خارجی کشورهای مختلف جهان شکل می‌دهند. برخی از فرماندهان داعش غیر عراقی و از مناطقی مانند: چین، یمن و عربستان هستند.

۱۲. درآمد: القاعده به خیرات بن لادن متکی بود که حدود ۳۰۰ میلیون دلار ارزش داشت (Basile, 2004: 169-185)؛ در حالی که داعش یک مغز و ساختار اقتصادی برای کسب درآمد ایجاد کرده است که حدود دو میلیارد دلار تخمین زده می‌شود (Chulov, 2014).

۱۳. سیاست داخلی / خارجی: القاعده بر سیاست خارجی متمرکز بوده است؛ در حالی که داعش بر سیاست داخلی تمرکز دارد.

۱۴. بهره‌گیری از رسانه: القاعده به رسانه‌های قدیمی‌تر (اینترنت) متکی است، ولی داعش بر رسانه‌های جدید (شبکه‌های اجتماعی) متمرکز است.

۱۵. محتوای مجله: مجله القاعده تمرکز بیشتری بر روی الهام‌بخشی به تروریست‌ها برای حملات تروریستی دارد. مجله آنها دارای پیام‌های کوتاه با تصاویر تهییج‌کننده برای شهادت، شجاعت و دلاوری علیه منافع غرب بود (Styszynski, 2014: 11). دابق<sup>۱</sup> نشریه داعش در ایجاد یک نظم مذهبی خودخوانده با عنوان خلافت بوده است و سعی در جذب نیروی متخصص خود، با عنوان هجرت دارد. معرفی خود به عنوان یک دولت قوی و با بنیان‌های نظری که دست‌کم بتواند به واسطه آن از داشتن چهره‌ای تروریستی اندکی فاصله بگیرد. آوردن توجیهات مذهبی در مجله، نشانه‌ای برای قوی‌تر بودن در مقابل رقبا، جذب حمایت معنوی و مادی علمای اهل سنت و نیز جذب جوانان است.<sup>۲</sup>

۱۶. سخنرانی: بن لادن به شیوه کهن سخنوری عربی التفات داشت؛ در حالی که داعش در رسانه‌های اجتماعی از زبان ساده استفاده می‌کند.

### ج) افتراقات القاعده و داعش از منظر جهادی

۱. رهبری جنبش جهادی سلفی: نزاع شدیدی بین این دو گروه برای کسب قدرت و مشروعیت در جریان است (Forest, ۲۰۱۱: ۸). ایمن الظواهری می‌گوید: القاعده قبل از اینکه یک گروه با اهداف جهادی و مادی باشد، یک رسالت است و ما اگر در انجام دادن این رسالت کوتاهی کرده باشیم، بزرگ‌ترین فرصت را به دشمنان خود داده‌ایم

۱. نام مکانی نزدیک حلب سوریه که جنگ تاریخی عثمانی برای تشکیل خلافت با پیروزی در آنجا رخ داد.  
۲. امیر فاطمی‌صدر، دابق؛ چشم انداز راهبردی داعش، کد خبر ۴۶۴۳۵۶، ۱۶ دی ۱۳۹۳، سایت تابناک



تا حیثیت و شهرت ما را زیر سؤال ببرند.<sup>۱</sup> در حالی که از منظر داعش، القاعده دیگر پایگاهی برای جهاد نیست و گروه‌های معارض در سوریه باید دست از حمایت و پشتیبانی از القاعده بردارند و با تأیید داعش به این گروه بپیوندند. وی همچنین گفته بود: رهبران القاعده دیگر به فکر جهاد نیستند، بلکه به فکر مقابله با داعش هستند.

۲. راهبرد جنگی: القاعده راهبرد ترکیبی برای وصول به اهداف، مانند: نبرد با آمریکا، انجام دادن کارهای تروریستی خارق‌العاده برای تهییج و تحریک جهان اسلام و متقاعد کردن آمریکا به خروج از جهان اسلام اتخاذ می‌کند. همچنین از یاغیان ضدآمریکایی حمایت و در نهایت، تبلیغاتی وسیع برای متقاعد کردن مسلمانان-مبتنی بر اینکه جهاد یک وظیفه است- به راه می‌انداخت؛ در حالی که داعش [ادعا می‌کند] در پی ساخت یک دولت اسلامی است. لذا راهبردش کنترل منطقه جغرافیایی و گسترش آن بوده است تا با تأسیس دولت، مردم تحت حمایت آن دولت، زندگی کنند. داعش مدعی است با داشتن قلمرو می‌توان ارتش پدید آورد و به محافظت از منطقه پرداخت.

۳. تاکتیک جنگی: تاکتیک القاعده انجام دادن عملیات بزرگ و چشمگیر بر ضد اهداف راهبردی یا سمبلیک است؛ مانند: برج‌های دوقلو، ساختمان پنتاگون، ناو آمریکایی کول در بندر عدن در سال ۲۰۰۰، بمب‌گذاری در سفارت آمریکا در کنیا و تانزانیا در سال ۱۹۹۸؛ و کماکان همین راهبرد را ضد غربی‌ها به خصوص آمریکایی‌ها و تداوم می‌دهد؛ در حالی که داعش با به دست آوردن منطقه جغرافیایی در عراق و سوریه به دنبال پیروزی بیشتر و کسب ادوات جنگی و حتی تانک برای دفاع و غلبه بر مناطق جدید است. در این حالت، تروریسم بخشی از جنگ و شورشگری است که در مناطق تحت کنترل با تاکتیک کشتار جمعی، تجاوز و اعدام در پی تمکین مردم به دولت است (L. Byman & R. Williams, 2015:6). اگر داعش در سوریه و عراق با شکست مواجه شود، به متحدان خارجی‌اش دستور انجام دادن عملیات می‌دهد (Gambhir, 2015:10).

۴. اتحاد جنگجویان: القاعده به دنبال اتحاد بین گروه‌های تروریستی بود؛ ولی داعش اصرار به فاصله‌گیری از گروه‌های دیگر دارد.

۵. شیوه عملیاتی: القاعده سازمان تروریستی بدون منطقه جغرافیایی است و گروه نظامی مخفی با جنگجویانی متخصص و مبتکر است؛ در حالی که داعش به طور قطع در تعریف یک سازمان تروریستی می‌گنجد، که از تروریسم، بیشتر به عنوان یک شیوه

۱. پاسخ ایمن الظواهری به داعش: القاعده یک رسالت است نه گروه جهادی، یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۳، سایت خبری اسلام تایمز

عملیاتی استفاده می‌کند. شبکه‌های تروریستی همچون القاعده، سرزمینی را اشغال نمی‌کنند و نمی‌توانند به طور مستقیم با نیروهای نظامی مقابله کنند؛ در حالی که از سوی داعش حدود ۳۰ هزار جنگجو دارد، سرزمین‌هایی را در عراق و سوریه اشغال کرده است، قابلیت‌های نظامی دارد، خطوط ارتباطی را کنترل می‌کند، زیرساخت‌های فرماندهی دارد، می‌تواند بودجه مورد نیاز خود را تأمین کند و در عملیات نظامی جنایت‌کارانه شرکت دارد.

۶. دشمن دور یا نزدیک: القاعده بر جنگ با غرب و امریکا (دشمن دور) تأکید دارد (Fawaz, 2005)؛ در حالی که داعش بر جنگ درون‌تمدنی (دشمن نزدیک) متمرکز است و به آسانی کشتار مردان، زنان و کودکان مسلمان را توجیه می‌کنند.

۷. محدوده عملیاتی: گستره عملیاتی القاعده فرمانطقه‌ای بوده و از یکسو، تا مناطق اویغورنشین در چین و از سوی دیگر، تا قلب اروپا نفوذ داشت؛ در حالی که داعش برخلاف جریان جهانی القاعده در حال حاضر «منطقه‌ای» و به منطقه غرب آسیا محدود است. اگرچه ممکن است به مناطق دیگری نیز گسترش یابد

۸. تاکتیک عملیات روانی: حملات چشمگیر و خارق‌العاده القاعده علیه اهداف غربی به خصوص امریکا است؛ در حالی که داعش بر تصاویر وحشت‌آور عملیات‌ها متمرکز است تا به وسیله ایجاد رعب و وحشت پیروزی‌های جدید نظامی کسب کند.

۹. ایجاد خطر در منطقه: القاعده خطری کوتاه‌مدت برای منطقه محسوب می‌شود، اما داعش خطری بلندمدت برای منطقه است.

۱۰. عربستان سعودی: ادبیات القاعده نسبت به آل سعود کمتر مخاصمه‌آمیز به نظر می‌رسید، اما داعش نسبت به سعودی‌ها با خصومت بیشتری صحبت می‌کند.

۱۱. مقابله با این دو گروه: برخورد با القاعده که اساساً ساختارش را برای امنیت بیشتر، به صورت شبکه‌ای و منظومه‌ای تنظیم کرده، بسیار سخت‌تر است؛ در حالی که برخورد با داعش به دلیل استقرار در یک منطقه مشخص، آسان‌تر است.

۱۲. مقابله با گروه‌ها: راهبرد ضدتروریستی علیه القاعده به کار گرفته می‌شود. اما از آنجا که داعش دارای ارتش متعارف بوده، راهبردهای ضدتروریستی که عمدتاً در قبال تهدیدات القاعده راهگشا بوده است، علیه داعش جواب نمی‌دهد.

۱۳. ریسک پیوستن به گروه: پیوستن به حامیان بن لادن در مرز پاکستان و افغانستان کاری دشوار، پرهزینه و خطرناک است، ولی پیوستن به داعش در مناطق نفوذش به دلیل مساعدت‌های دولت ترکیه و اردن و دیگر گروه‌های همسو در لبنان بسیار آسان است.





۱۴. جنگجویان: القاعده عمدتاً از افراد نسل قدیم جهادگر بوده که عمل‌گرا بودند،<sup>۱</sup> همین‌امر باعث شد نسل جدید دنبال خشونت حتی تا سن ۱۲ سالگی<sup>۲</sup> در پی سازمان دیگری مثل داعش باشند. جنگجویان داعش از نسل جدید، جوان و ماجراجو بوده که بیشتر گرایش به درنده‌خویی، خشونت و عمل دارند (Miller, 2014).

۱۵. کشتن مسلمانان: القاعده کشتن مسلمانان و خشونت مطلق علیه آنان را جزو جنبش دفاعی خود می‌دانند، در حالی که داعش کشتار جمعی مسلمانان را برای جذب جوانان و تداوم جنگ بسیار کارا می‌داند (Fink&sugg, 2015:7).

### تشابهات القاعده و داعش

۱. نهادهای مذهبی: هر دو سازمان از نهادهای مذهبی مستقر در الازهر و ریاض متنفر هستند؛

۲. بین‌المللی: هر دو سازمان، جهانی و بین‌المللی هستند؛

۳. کمک کشورهای عربی خلیج فارس: القاعده و داعش هر دو از کمک‌های نقدی مستقیم یا غیر مستقیم حکومت‌های عربی حاشیه خلیج فارس بهره‌مند شده‌اند؛

۴. التزام به تروریسم با عنوان جهاد: تمرکز بر التزام به تروریسم جزو تشابهات القاعده و داعش است؛

۵. دشمنی امریکا با مسلمانان: هر دو معتقدند که غرب به خصوص امریکا با مسلمانان دشمن هستند؛

۶. تقسیم جهان: هر دو گروه، جهان را به دو قسمت دارالاسلام و دارالحرب تقسیم می‌کنند؛

۷. گرایش به جوانان: هم القاعده و هم داعش در عملیات‌های تبلیغاتی خود در اینترنت (یا در تلویزیون) به سمت جوانان گرایش دارند؛

۸. عدم دشمنی با رژیم اشغالگر قدس: رژیم اشغالگر قدس به عنوان اهداف اولیه القاعده مرکزی و بن لادن نبوده است (Lewis, 1998). رئیس اطلاعات نظامی رژیم

1. United Nations Security Council Al-Qaida Sanctions Committee, "Fifteenth report of the Analytical Support and Sanctions Monitoring Team submitted pursuant to resolution 2083 (2012) concerning Al-Qaida and associated individuals and entities." Last modified January 23, 2014. Accessed [d October 10, 2014].

[http://www.un.org/en/ga/search/view\\_doc.asp?symbol=S/2014/41](http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/2014/41)

2. "Mali: Islamists Should Free Child Soldiers" Human Rights Watch, January 15, 2013.

<http://www.hrw.org/news/2013/01/15/mali-islamists-should-free-child-soldiers> (accessed October 10, 2014).



سهیونیستی گفت: ما برای القاعده در اولویت نیستیم. داعش نیز علاقه‌ای به دشمنی با این رژیم ندارد و حتی از آنها کمک نیز می‌گیرد.

۹. گرگ تنها: سبک و روش «گرگ تنها» به معنی انجام دادن عملیات انفرادی بدون ارتباط سازمانی با مرکزیت، از سوی هر دو سازمان پذیرفته شده است و همواره به هواداران خود، بر داشتن آمادگی تأکید می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

ظهور داعش انرژی زیادی به جریان تروریسم تکفیری داد و هزاران جوان مسلمان را از سراسر جهان به خود جذب کرد. ایدئولوژی سلفی تکفیری خشونت‌بار بیش از گذشته طرف‌دار پیدا کرده است. تا زمانی که داعش منطقه جغرافیایی در اختیار دارد، حمایت‌ها از آنها در حال رشد خواهد بود. ایجاد ائتلاف ضد داعش، کمپین نظامی طرف‌دار ایدئولوژی داعش را قوی‌تر کرده است؛ زیرا آنها این‌گونه توجیه می‌کنند که شیعیان به همراه امریکا و حکومت‌های سکولار عرب می‌خواهند قدرت اهل سنت را در خاورمیانه محدود کنند (Bunzel, 2015: 19). حملات هوایی ائتلاف محاسبات راهبردی و نظامی داعش را بر هم زد و باعث شد سخنگوی داعش به همه طرف‌دارانش در دنیا دستور حمله به نیروهای نظامی و غیرنظامی ائتلاف را صادر کند (Abū Muh. Ammad, 2014). داعش خود نیز حملاتش را به کشورهای ائتلاف آغاز کرد (Kirkpatrick, 2014: 5).

برخی بر این باورند که ظهور این گروه از کشور افغانستان به دنبال جریان القاعده است. با وجود اینکه این دو گروه نقاط و اهداف مشترک بسیاری دارند، در برخی راهبردها با یکدیگر متفاوت هستند. گروه داعش با ایجاد رعب و وحشت و اعمال غیرانسانی سعی در رسیدن به اهداف خود دارد. داعش از تمام نشانه‌ها و نمادهای گروه القاعده استفاده می‌کند و این مبین هم‌راستا بودن اهداف این دو گروه تکفیری است. خیلی از طرف‌داران تفکر سلفی تکفیری تمایل دارند که بین القاعده و داعش اتحاد ایجاد شود؛ به ویژه بعد از حمله هوایی ائتلاف علیه داعش و جبهه النصره (القاعده سوریه)، این امیدواری ایجاد شد که این دو گروه علیه دشمن مشترک متحد شوند.<sup>۱</sup> جنگ القاعده با داعش به طور قطع، به تضعیف هر دو می‌انجامد و حتی می‌تواند باعث

1. 'An Initiative and Call for a Ceasefire Between Factions in Syria,' issued on 30 September. [http://www.longwarjournal.org/archives/2014/10/leading\\_pro-al\\_qaeda.php](http://www.longwarjournal.org/archives/2014/10/leading_pro-al_qaeda.php).



انشعاب در القاعده شود و از اقتدار آن در افغانستان بکاهد و از سوی دیگر، باعث تقویت داعش شود.

چهار سناریو برای القاعده در مقابله با داعش متصور است:

۱. حفظ وضع موجود: القاعده منابع مالی و انسانی کافی در اختیار ندارد؛ پیروانش در اروپا مستقل و خارج از کنترل الظواهری هستند. همچنین هوادارانش در سایر نقاط مثل: یمن، شمال آفریقا، اندونزی و هند توانایی برای انجام دادن عملیات بین‌المللی ندارند. لذا مقابله با داعش امکان عملی ندارد، دست‌کم به دلیل مشکلاتی که در رهبری القاعده ایجاد می‌کند.

۲. ادغام: توان القاعده مرکزی برای انجام دادن عملیات بزرگ از بین رفته است و منابع مناسب برای رسیدن به اهداف سیاسی‌اش ندارد. بنابراین، برای به دست آوردن و افزایش استخدام نیرو بایستی از داعش کمک بگیرد که برای این کار نیازمند اتحاد راهبردی با داعش است. در عراق و سوریه جبهه النصره و داعش بایستی اختلافات خود را کنار بگذارند تا القاعده بتواند اهداف بین‌المللی خود را دنبال کند.

۳. شکست مقابله: القاعده به دنبال بازیابی حمایت از خود از طریق مقابله مستقیم با داعش بوده که این تلاش با شکست مواجه شده است؛ چون کمپین رسانه‌ای و منابع نظامی داعش علیه جبهه النصره بسیار زیادتر است. همچنین القاعده برتری منابع مالی و نظامی خود را در مقابل داعش از دست داده است. در ضمن، القاعده هویت خود را از دست داده و به عنوان یک گروه تحت سیطره داعش باقی مانده است.

۴. حملات خارق‌العاده، بازی پیش‌دستانه: القاعده می‌خواهد با منابع موجود خود عملیات خارق‌العاده انجام دهد که در صورت موفقیت می‌تواند حمایت عموم را کسب کند. هرچند القاعده به کندی سعی در گسترش عملیات خود دارد، داعش خیلی سریع به عنوان یک سازمان بین‌المللی و جهانی تروریستی شد. داعش با انجام دادن عملیات‌های مؤثر به دنبال حفظ جایگاه سازمان خود و جذب نیروست که در صورت موفقیت، حمایت افراد بیشتری را کسب خواهد کرد و جذب نیرو را نیز افزایش می‌دهد. این بازی پیش‌دستانه باعث افزایش خوی وحشی‌گری سازمانشان می‌شود.

به جرأت می‌توان گفت که سه سناریو اول تقریباً امکان‌پذیر نیست و در سناریو چهارم، القاعده توان هم‌آوردی با داعش ندارد. لذا داعش تهدید و خطر اصلی است، هرچند نبایستی القاعده را نیز فراموش کرد (Feakin & Wilkinson, 2015: 123-68).

از سوی دیگر، داعش در شرایطی قرار گرفته که به تنهایی و به خودی خود بنابر



دلایل زیر به اضمحلال نزدیک می‌شود: اول؛ داعش به لحاظ مانور قدرت سیاسی خود در منطقه، حتی تحت حاکمیت کنونی‌اش نیز به شدت با محدودیت مواجه است و این محدودیت کاملاً در عرصه حوزه‌های عملیاتی‌اش هم قابل مشاهده است. دوم؛ مناطق تحت تصرف داعش در محاصره قدرت‌های منطقه‌ای قرار دارد. ایران را به عنوان مهم‌ترین رقیب و همیار شیعیان و کردهای عراق، به شدت در چالش با خود می‌بیند. سوم؛ تمام کشورهایی که در نقشه دولت اعلامی داعش قرار دارند، هیچ ارتباط و همکاری با داعش نخواهند داشت، مگر اینکه گروه‌های بسیار محدودی از جمعیت‌های مردمی این مناطق به لحاظ ایدئولوژیک با اندیشه‌های داعش هم‌آوایی داشته باشند. چهارم؛ داعش نه تنها میان کشورهای معتبر بین‌المللی فاقد مقبولیت و مشروعیت است، بلکه با برخوردهای خشن کشورهای قدرتمند بین‌المللی نیز روبه‌روست. پنجم؛ خشونت داعش به شدت افراطی است و بالطبع بشر سازگاری ندارد، لذا نفرت جهانی را به سمت مدعیان آن بسیج خواهد کرد.

### منابع فارسی

- بن لادن، کارمن (۱۳۸۴)، پشت پرده بن‌لادن‌ها، در بطن پادشاهی، ترجمه اسماعیل قهرمانی پور، تهران: نشر روزگار.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، «ظهور و افول القاعده در عراق»، فصلنامه راهبرد، س ۱۸، ش ۵۱.
- قادری، حاتم (۱۳۷۸)، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: سمت.
- محمودیان، محمد (۱۳۹۰)، بنیادهای فکری القاعده. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۹۳/۶/۲۰)، «آیت‌الله نعیم آبادی: خاستگاه داعش و وهابیت افکار افراطی است»، ایلنا، کد خبر: ۲۰۱۲۷۰.

### منابع لاتین

Abu al-Khair, W. (2014), "ISIL abusing zakat in Syria's al-Raqa: residents", Al-Shorfa, [http://al-shorfa.com/en\\_GB/articles/meii/features/2014/06/24/feature-01](http://al-shorfa.com/en_GB/articles/meii/features/2014/06/24/feature-01), accessed.

Abu Bakr al-Hussayni al-Baghdadi, (2013) "Remaining in Iraq and al-Sham," al-Furqan Media, <http://washin.st/1yPdUX7>.



Abū H. amza al-Muhājir,(2007). “Qul mūtū bi-ghayz. ikum,” Mu’assasat al-Furqān, Transcript in Majmū’.

Abu Muhammad al-Jawlani, (2013). “About the Fields of al-Sham,” al-Manarah al-Bayda Foundation for Media Production, <http://jihadology.net/2013/04/10/al-manarah-al-bay%E1%B8%8Dafoundation-for-media-production-presents-a-newaudio-message-from-jabhat-al-nu%E1%B9%A3rahsabu-mu%E1%B8%A5ammad-al-jawlani-al-golaniabout-the-fields-of-al-sham/>.

Abu Muhammad (Ayman al-Zawahiri)2005, “Untitled letter, <https://www.ctc.usma.edu/wp-content/uploads/2013/10/Zawahiris-Letter-to-Zarqawi-Original.pdf>.

Abū ‘Umar al-Baghdādī,(2007). “Wa-in tantahū fa-huwa khayr lakum,” Mu’assasat al-Furqān, 8 July 2007. Transcript in Majmū’

Al-Sarhan, Saud(2014). A House Divided: AQAP, IS, and Intra-Jihadi Conflict, King Faisal Center for Research and Islamic Studies,November 2014, <http://rd.alfaisalmag.com/all-commentaries-pdf/Commentaries-1.pdf>, 4.

Al-Tamimi, Aymenn Jawad “Bay’ah to Baghdadi: Foreign Support for Abu Bakr al-Baghdadi and the Islamic State (Part 2),”Syria Comment, 27 September 2014, <http://www.joshualandis.com/blog/bayah-baghdadi-foreign-support-islamic-state-part-2/>.

Ahsan, M.(2015). ISIS ‘Leadership Struggle’ against Al-Qaeda and Afghan Taliban, IRIA Report No. 7, March, 2015, the International Relations Insights & Analysis.

Al Jazeera, March 8, 2014 “ISIL Says It Faces War with Nusra in Syria,” As of April 7, 2014:

<http://www.aljazeera.com/news/middleeast/2014/03/isil-says-it-faces-war-withnusra-syria-0143719484991740.html>

Allison, Simon(2014). “Think Again – too late to start worrying about the Islamic State in Africa,” ISS Africa. 7 October 2014.

As’ad AbuKhalil,(2014). ISIS and al-Qaeda: Similarities and differences, 2014-09-02, <http://www.al-akhbar.com/>



Bagy, Elizabeth O'(2012). "Jihad In Syria." Middle East Security Report 6 (2012): 16-17. Understanding War. Web.<<http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Jihad-In-Syria-17SEPT.pdf>>.- Turkī al-Bin'alī, al-Lafz. al-sānī fī tarjamat al-'Adnānī, 26 May 2014, 7, <http://www.gulfup.com/?ziPYqa>.

Bahney, Benjamin and Johnston, Patrick B.(2015). Who Runs the Islamic State Group? U.S. News & World Report on May 22, 2015 .

Basile, Mark(2004). 'Going to the source: why al Qaeda's financial network is likely to withstand the current war on terrorist financing', *Studies in Conflict and Terrorism*, 27 .

Berger, JM(2014). 'How ISIS games Twitter', The Atlantic, 16 June , online.

Bradley, Matt and Barnes, Julian(2014). "Iraq Army's Ability to Fight Raises Worries – U.S. Says Decline of Local Forces Leaves Country Vulnerable to Sunni Insurgents," Wall Street Journal, June 23, 2014, p.A8.- Sunni rebels declare new 'Islamic caliphate' <http://www.aljazeera.com/news/middleeast/2014/06/isil-declares-new-islamiccaliphate-201462917326669749.html>- <http://eaworldview.com/2014/07/syria-daily-jabhat-al-nusra-denies-declared-islamic-emirate/>.

Brisard, J.C. & Martinez, D. (2014), Islamic State: The Economy-Based Terrorist Funding, Thomson Reuters Accelus, <http://accelus.thomsonreuters.com/sites/default/files/GRC01815.pdf>, accessed 10 February 2015.

Brennan, Rick Jr(2015). The Growing Strategic Threat of Radical Islamist Ideology, CA:RAND,2015,P.3

Brown, Vahid(2010). "The Facade of Allegiance: Bin Ladin's Dubious Pledge to Mullah Omar," CTC Sentinel, vol. 3, no. 1, January .

Byman ,Daniel L. and Williams ,Jennifer R(2015) . ISIS vs. Al Qaeda: Jihadism's global civil war, February 24, The National Interestp

Byman, Daniel L. (2011)."Zawahiri's Big Challenge," Brookings, May 12.<http://www.brookings.edu/research/opinions/2011/05/12-al-qaeda->



byman (accessed October 10, 2014);

Caris ,Charles and Reynolds, Samuel (2014). “ISIS Governance in Syria,” Middle East Security Report No.22, Institute for the Study of War,July 2014.

Chulov, Martin(2014). ‘How an arrest in Iraq revealed Isis’s \$2bn jihadist network’, *The Guardian*, 16 June , online.

Chulov, M. (2014), “How an arrest in Iraq revealed Isis’s \$2bn jihadist network”, *The Guardian*, [www.theguardian.com/world/2014/jun/15/iraq-isis-arrest-jihadists-wealth-power](http://www.theguardian.com/world/2014/jun/15/iraq-isis-arrest-jihadists-wealth-power), accessed 10 February 2015.

Dalton, M., & Coker, M. (2014), “How Belgium became a jihadist-recruiting hub”, *The Wall Street Journal*, <http://online.wsj.com/articles/how-belgium-became-a-jihadist-recruiting-hub-1411958283>, accessed 10 February 2015.

Dilanian, Ken(2014). ‘Islamic State group’s war chest is growing daily, *AP: The Big Story*, 15 September .

Elbagir, Nima. Paul Cruickshank and Mohammed Tawfeeq,(2015). “Boko Haram purportedly pledges allegiance to ISIS,” *CNN*. 9 March 2015. Internet: [edition.cnn.com/2015/03/07/Africa-region-boko-haram-isis](http://edition.cnn.com/2015/03/07/Africa-region-boko-haram-isis). Date accessed: 10 March 2015.

Fadel, L., (2014), *With Cash And Cachet, The Islamic State Expands Its Empire*, NPR, [www.npr.org/blogs/parallels/2014/11/18/364942091/with-cash-and-cachet-the-islamic-stateexpands-its-empire](http://www.npr.org/blogs/parallels/2014/11/18/364942091/with-cash-and-cachet-the-islamic-stateexpands-its-empire), accessed 10 February 2015 .

FATF (2015), *Financing of the terrorist organisation Islamic State in Iraq and the Levant (ISIL)*, FATF, [www.fatf-gafi.org/topics/methodsandtrends/documents/financing-of-terrorist-organisation-isis.html](http://www.fatf-gafi.org/topics/methodsandtrends/documents/financing-of-terrorist-organisation-isis.html).

Fawaz A. Gerges,(2005). *The Far Enemy: Why Jihad Went Global* (Cambridge: Cambridge University Press )

Fick, M. and El Dahan, M.,(2014), “Exclusive: Islamic State militants grab new weapon - Iraqi wheat”, *Reuters*, [www.reuters.com/article/2014/08/13/us-iraq-security-islamicstate-wheat-idUSKBN0GD14720140813](http://www.reuters.com/article/2014/08/13/us-iraq-security-islamicstate-wheat-idUSKBN0GD14720140813),



accessed 10 February 2015.

Fick, M., (2015), "ISIS-Controlled Iraq is Looking at a Wheat Shortage", Reuters, [www.businessinsider.com/r-special-report-for-islamic-state-wheat-season-sows-seeds-of-discontent-2015-1](http://www.businessinsider.com/r-special-report-for-islamic-state-wheat-season-sows-seeds-of-discontent-2015-1), accessed 10 February .

Fink ,Naureen Chowdhury and Sugg,(2015). Benjamin , A Tale of Two Jihads: Comparing the al-Qaeda and ISIS Narratives, February 9 , The International Peace Institute

Fishman,(2006). "After Zarqawi: the dilemmas and future of Al Qaeda in Iraq", *The Washington Quarterly*, vol. 29, no. 4.

Fishman, Brian(2009). Dysfunction and Decline: Lessons Learned from inside al-Qaida in Iraq, Harmony Project (West Point, NY: Combating Terrorism Center,2009), <https://www.ctc.usma.edu/wp-content/uploads/2010/06/Dysfunction-and-Divide.pdf>.

Fishman, Brian(2011). Redefining the Islamic State: The Fall and Rise of al-Qaeda in Iraq, National Security Studies Program Policy Paper (Washington DC: New America Foundation, 2011), [http://security.newamerica.net/sites/newamerica.net/files/policydocs/Fishman\\_Al\\_Qaeda\\_In\\_Iraq.pdf](http://security.newamerica.net/sites/newamerica.net/files/policydocs/Fishman_Al_Qaeda_In_Iraq.pdf);

Forest,James J. F (2011). " Al-Qaeda's Influence in Sub-Saharan Africa: Myths, Realities and Possibilities, "TheTerrorism Research Initiative, <http://www.terrorismanalysts.com/pt/index.php/pot/article/view/156/html>.

Gall, Carlotta(2015). "Official Says that Commander of Group that Massacred 21 in Tunisia is Dead," The New York Times. 19 March 2015. Internet: <http://www.nytimes.com/2015/03/30/world/africa/official-says-commander-of-group-that-massacred-21-in-tunisia-is-dead.html>. Date accessed: 2 April 2015.

Gambill, Gary(2004). "Abu Musab Al-Zarqawi: A Biographical Sketch." The Jamestown Foundation: Terrorism Monitor. December 15 . Volume 2: Issue 24. [http://www.jamestown.org/single/?tx\\_ttnews%5Btt\\_news%5D=27304#.U6giffldXyE](http://www.jamestown.org/single/?tx_ttnews%5Btt_news%5D=27304#.U6giffldXyE)

Gambhir ,Harleen, (2015). ISIS Global Intelligence Summary,The Institute for the Study of War (ISW),March 1 - May 7 .

Ghosh, Bobby(2014). "ISIS: A Short History," The Atlantic,





<http://theatlantic.com/international/archive/2014/08/isis-a-short-history/376030/p:25>.

Gunaratna,Rohan(2002). *Inside Al Qaeda: Global Network of Terror* (New York: Columbia University Press, 2002)

Hashim,Ahmed (2015). The Transnational Impact of ISIS and the Islamic State in Asia, RSIS Report

Hennigan, WJ(2014). ‘Islamic State’s media-savvy militants spread message with ease’, *LA Times*, 30 August , online.

[http://photos.state.gov/libraries/senegal/323264/pdf/sp-en\\_2012-10-30.pdf](http://photos.state.gov/libraries/senegal/323264/pdf/sp-en_2012-10-30.pdf).

Haykel, Bernard(2009). “On the Nature of Salafi Thought and Action,” in *Global Salafism: Islam’s New Religious Movement*, ed. Roel Meijer (London: Hurst, 2009).

<http://www.alarabiya.net/ar/arab-and-world/iraq/2014/09/Jendruck>, Evan(2014). “Indonesian militant Islamists pledge allegiance to Islamic State,” *Jane’s Terrorism and Security Monitor*, Vol.14, No.8 (September 01, 2014p: 27);

Jones, Seth G. (2014). *A Persistent Threat: The Evolution of al-Qa’ida and Other Salafi Jihadists*, Santa Monica,CA: RAND

Joscelyn, Thomas(2014). “Previously obscure al Qaeda leader responds to dissenters,” *Long War Journal*.

[http://www.longwarjournal.org/archives/2014/05/post\\_7.php](http://www.longwarjournal.org/archives/2014/05/post_7.php)

Kahler ,Miles (2006). *COLLECTIVE ACTION AND CLANDESTINE NETWORKS: THE CASE OF ALQAEDA*,University of California, San Diego.

Keaten, Jamey and Schemm, Paul (2015). “Islamic State claims responsibility for Tunisia attack,” Associated Press. Internet: <http://wfsb.com/story/28558893/islamic-state-claims-responsibility-for-tunisia-attack>. Date accessed: 1 April 2015.

Kirdar, M. J(2011). *AL QAEDA IN IRAQ*, Case Study Number 1 ,june 2011, homeland security & counterterrorism program | transnational threat project, Center for Strategic and International Studies.

Lerman, D. (2014) “Islamic State’s Oil Refining Undercut by Airstrikes:

U.S.,” (quoting Amos Hochstein, US State Department Special Envoy and Coordinator for International Energy Affairs) Bloomberg, [www.bloomberg.com/news/articles/2014-11-18/islamic-state-s-oil-refiningundercut-by-airstrikes-u-s-](http://www.bloomberg.com/news/articles/2014-11-18/islamic-state-s-oil-refiningundercut-by-airstrikes-u-s-), accessed 10 February 2015.

Lister, Charles(2014). Profiling the Islamic State, The Brookings Institution, Washington DC .

Lukens, Lewis A.(2012) United States Government, “Remarks by U.S. Ambassador Lewis A. Lukens Kidnapping for Ransom Denial of Benefits Workshop.” October 30.

Marcel, V. (2014), “ISIS and the Dangers of Black Market Oil,” Chatham House, Retrieved from [www.chathamhouse.org/expert/comment/15203](http://www.chathamhouse.org/expert/comment/15203), accessed 10 February 2015.

Massih, N, (2014), “ISIS gains highlight ‘aggressive’ use of water as weapon of war”, The Daily Star (Lebanon), [www.dailystar.com.lb/News/Middle-East/2014/Jul-21/264554-isis-gains-highlightaggressive-use-of-water-as-weapon-of-war.ashx](http://www.dailystar.com.lb/News/Middle-East/2014/Jul-21/264554-isis-gains-highlightaggressive-use-of-water-as-weapon-of-war.ashx), accessed 10 February 2015.

McCants, William(2014). “Zawahiri’s Counter-Caliphate,” War on the Rocks, 5 September, 2014p:93,<http://warontherocks.com/2014/09/zawahiris-counter-caliphate/>.

Miller, G. (2014), “Airstrikes against Islamic State do not seen to have affected flow of fighters to Syria”, Washington Post, [www.washingtonpost.com/world/national-security/airstrikes-againstthe-islamic-state-have-not-affected-flow-of-foreign-fighters-to-syria/2014/10/30/aa1f124a-603e-11e4-91f7-5d89b5e8c251\\_story.html?hpid=z1?v1](http://www.washingtonpost.com/world/national-security/airstrikes-againstthe-islamic-state-have-not-affected-flow-of-foreign-fighters-to-syria/2014/10/30/aa1f124a-603e-11e4-91f7-5d89b5e8c251_story.html?hpid=z1?v1), accessed 10 February 2015.

Miller,Greg (2014) .”Fighters abandoning al-Qaeda affiliates to join Islamic State, U.S. officials say,” *Washington Post*, August 09. [http://www.washingtonpost.com/world/national-security/fighters-abandoning-al-qaedaaffiliates-to-join-islamic-state-us-officials-say/2014/08/09/c5321d10-1f08-11e4-ae54-0cfe1f974f8a\\_story.html](http://www.washingtonpost.com/world/national-security/fighters-abandoning-al-qaedaaffiliates-to-join-islamic-state-us-officials-say/2014/08/09/c5321d10-1f08-11e4-ae54-0cfe1f974f8a_story.html)

Moos, Olivier. (2013). ‘Syrie: querelle de légitimité pour la direction du jihad entre Jabhat an-Nusra et l’Etat Islamique d’Irak et du Levant—entretien avec Romain Caillet.’ Religioscope. Web edition, 4 July. <http://>



religion.info/french/entretiens/article\_617.shtml#.Upyh9JFWAg

Muharib al-Juburi,(2006). “al-I’alan ‘an qiyam dawla al-‘Iraq al-Islamiyya,” October 15 , <https://nokbah.com/~w3/?p=536>.

Philips, M. (2014), “Islamic State Loses its Oil Business”, Bloomberg Businessweek, <http://mobile.businessweek.com/articles/2014-10-14/u-dot-s-dot-air-strikes-cut-isis-oil-productionby-70-percent>, accessed 10 February 2015.

Pringle, H. (2014), “ISIS Cashing in on Looted Antiquities to Fuel Iraq Insurgency”, National Geographic, <http://news.nationalgeographic.com/news/2014/06/140626-isis-insurgents-syriairaq-looting-antiquities-archaeology/>, accessed 10 February 2015.

Salman, R. and Bayoumy Y. (2014), “Insight - Islamic State’s financial independence poses quandary for its foes,” Reuters, <http://in.reuters.com/article/2014/09/11/iraq-crisis-militants-fundingidINKBN0H60AO20140911>, , accessed 10 February 2015.

Shaykh Abu Muhammad al Adnani al-Shami,(2014). “This Is Not Our Manhaj, nor Will It Ever Be,” al-Furqan Media, April 17 , <http://washin.st/1o4Dlyc>.

Shaul Mishal, Maoz Rosentha. “Toward a Typology of Islamic Terrorist”. Department of Political Science, Tel Aviv University. 2005.

Solomon, Hussein(2015). “Expanding the Jihad: ISIS in Africa,” RIMA Occasional Papers Vol. 3 No. 2. Internet: <https://muslimsinafrica.wordpress.com/2015/03/11/expanding-the-jihad-isis-in-africa-professor-hussein-solomon/>. Date accessed: 21 April 2015.

Solomon,- Hussein(2015). “South Africa and the Islamic State,” RIMA Occasional Papers Vol. 3 No. 3, Internet: <http://muslimsinafrica.wordpress.com/2015/04/09/south-africa-and-the-islamic-state-professor-hussein-solomon>. Date accessed: 21 April 2015.

Solomon, E. (2014) “The Isis economy: Meet the new boss”, Financial Times, [www.ft.com/cms/s/0/b2c6b5ca-9427-11e4-82c7-00144feabdc0.html#axzz3QFAS46uz](http://www.ft.com/cms/s/0/b2c6b5ca-9427-11e4-82c7-00144feabdc0.html#axzz3QFAS46uz), , accessed 10 February 2015.

Solomon, Hussein (2014). “ISIS in Africa: The Danger of Political Correctness,” RIMA Occasional Papers. Vol. 2 No. 11, October .



Spencer Ackerman,(2014). ‘Foreign jihadists flocking to Iraq and Syria on “unprecedented scale”—UN’, *The Guardian*, 31 October 2014, online.

STYSZYNSKI,MARCIN(2014). ISIS and Al Qaeda: Expanding the Jihadist Discourse, *Counter Terrorist Trends and Analysis* , V 6, Issue 8 |.

Tomlinson, Simon (2015). “ISIS opens new front in North Africa after two extremist groups in Libya and Egypt pledge allegiance to its terror chief,” Mail Online 2 December 2014. Internet:p:7 [www.dailymail.co.uk/news/articleee2853255/isis-opens-new-extremist-groups-Libya-Egypt-pledge-allegiance-terror-leader.html](http://www.dailymail.co.uk/news/articleee2853255/isis-opens-new-extremist-groups-Libya-Egypt-pledge-allegiance-terror-leader.html).

Toorn, Hussein, M., C. V. D., Osgood, P., & Lando, B. (2014) “ISIS Earning \$1M per Day from Iraqi Oil smuggling,” *Iraqi Oil Report*, <http://iraqieconomists.net/en/2014/07/13/isis-earning-1m-perday-from-iraqi-oil-smuggling-by-by-mohammed-hussein-christine-van-den-toorn-patrickosgood-and-ben-lando/>, accessed 10 February 2015.

Vinatie, Laurent (2014). Foreign Jihadism in Syria: The Islamic State of Iraq and al-Sham, Dispatch No. 4, April , Security Assessment in North Africa,

Wagemakers, Joas “A Terrorist Organization That Never Was: The Jordanian ‘Bayat al-Imam’ Group,”*Middle East Journal* 68, no. 1 (Winter 2014):-75,<https://www.academia.edu/5905846/A-Terrorist-Organization-that-Never-Was-The-Jordanian-Bayat-al-Imam-Group-2014->.

Watts, Clint (2014).”Jihadi Competition after al Qaeda Hegemony—The ‘Old Guard,’ Team ISIS and the Battle for Jihadi Hearts and Minds,” *Foreign Policy Research Institute*, February 10, 2014, <http://www.pri.org/geopoliticus/2014/02/jihadi-competitionafter-al-qaeda-hegemony-old-guard-team-isis-battlejihadi-hearts-minds>

William McCants (ed.),(2006). “Militant Ideology Atlas,”*Combating Terrorism Center*, November 1 , <https://www.ctc.usma.edu/posts/militant-ideology-atlas>.

Whitlock, Craig (2004). “Grisly Path to Power in Iraq’s Insurgency,” *Washington Post*, September 27. <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2004/09/27/AR2005040209346.html>.

Wood, P (۲۰۱۴), “Islamic State: Yazidi Women tell of Sex-Slavery



Trauma”, BBC News, [www.bbc.com/news/world-middle-east-۲۰۱۵۰۲۰۳۳۳۸۵](http://www.bbc.com/news/world-middle-east-۲۰۱۵۰۲۰۳۳۳۸۵), accessed ۱۰ February ۲۰۱۵.

ellin, Aaron (۲۰۱۴). “Abu Bark al-Baghdadi: Islamic State’s driving force,” British Broadcasting Corporation News – Middle East  
[www.bbc.com/news/world-middle-east-۲۰۱۴۰۶۰۴۴۹](http://www.bbc.com/news/world-middle-east-۲۰۱۴۰۶۰۴۴۹)

Zelin, Aaron Y. (۲۰۱۳) “Al-Qaeda in Syria: A Closer Look at ISIS (Part II).” The Washington Institute for Near East Policy.

<http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/al-qaeda-in-syria-a-closer-look-at-isis-part-ii>

Zelin, Aaron. (۲۰۱۳). Foreign Jihadists in Syria: Tracking Recruitment Networks. Policy Analysis. Washington, DC: Washington Institute. ۱۹ December. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/foreign-jihadists-in-syria-tracking-recruitment-networks>

Zelin, Aaron Y. (۲۰۱۴). “Inside Baseball on Syrian Rebel Infighting,” War on the Rocks, <http://warontherocks.com/۲۰۱۴/۰۲/inside-baseball-onyrian-rebel-infighting/p:۱۷۸>

[-http://www.un.org/sc/committees/۱۲۶۷/NSQI۲۹۹۱۱E.shtml](http://www.un.org/sc/committees/۱۲۶۷/NSQI۲۹۹۱۱E.shtml).

Zelin, Aaron Y. (۲۰۱۴). “Sunni Foreign Fighters in Syria: Background, Facilitating Factors, and Select Responses,” PffPC Background Paper ۱ (Partnership for Peace Consortium, May ۲۱, ۲۰۱۴), <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/sunni-foreign-fighters-in-syria-background-facilitating-factors-and-select>.

